

جهانی شدن، دموکراسی و جنبش‌های دموکراتیک در

ایران

سیدامیرمسعود شهرامنیا*

(تاریخ دریافت ۹۱/۰۲/۳۱، تاریخ پذیرش ۹۲/۰۷/۱۷)

چکیده

تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی به عنوان یکی از وجوه مهم حیات بشر امروز، از موضوعات مورد توجه اندیشمندان سیاسی است. آیا جهانی شدن موجب توسعه و تقویت دموکراسی خواهد شد یا برعکس. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که «تأثیر جهانی شدن بر روند دموکراتیزاسیون (دموکراسی سازی) و جنبش‌های دموکراتیک در ایران معاصر چه بوده است؟» در این مطالعه، برای فهم تأثیرات حاصل از جهانی شدن به دموکراسی، وضعیت دموکراسی در ایران معاصر به عنوان نمونه، مورد توجه قرار می‌گیرد. فرضیه ما این است که «شواهد موجود حاکی از تأثیر مثبت جهانی شدن در کنار سایر عوامل بر تقویت جنبش‌های دموکراتیک و روند دموکراتیزاسیون در ایران معاصر است.» به این منظور، پس از اشاره به تعریف جهانی شدن، ابعاد و شاخص‌های مختلف آن، راه‌های تأثیر این پدیده بر دموکراسی با تأکید بر جنبش‌های دموکراتیک در ایران معاصر بررسی و تحلیل می‌شود. پژوهش حاضر از نوع تحلیلی با روش تبیین علی است.

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
m_shahramnia@yahoo.com

مقدمه

جهانی شدن از مباحث مهم و جنجال‌برانگیز دنیای معاصر است که با وجود دیدگاه‌های گوناگون و برداشت‌های مختلف اندیشمندان از آن، اصل وجود و تأثیر این پدیده بر زندگی بشر انکارناپذیر است. تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی به عنوان یکی از وجوه مهم حیات بشر امروز، از موضوعات مورد توجه اندیشمندان سیاسی است. این‌که آیا جهانی شدن موجب توسعه و تقویت دموکراسی خواهد شد یا به عکس به منزله چالشی بر سر راه گسترش آن است، یا این‌که نسبت جهانی شدن و دموکراسی، لزوماً نسبت نفی و اثباتی نیست، پرسش‌های مطرح درباره نسبت این دو مقوله است. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که «تأثیر جهانی شدن بر روند دموکراتیزاسیون و جنبش‌های دموکراتیک در ایران معاصر چه بوده است؟»

در این مطالعه، برای فهم تأثیرات حاصل از جهانی شدن بر دموکراسی، وضعیت دموکراسی در ایران معاصر به عنوان نمونه، مورد توجه قرار می‌گیرد. فرضیه ما این است که «شواهد موجود حاکی از تأثیر مثبت جهانی شدن در کنار سایر عوامل بر تقویت جنبش‌های دموکراتیک و روند دموکراتیزاسیون در ایران معاصر است.» به این منظور، پس از اشاره به تعریف جهانی شدن، ابعاد، وجوه و شاخص‌های مختلف آن، راه‌های تأثیر این پدیده بر دموکراسی با تأکید بر جنبش‌های دموکراتیک در ایران معاصر بررسی و تحلیل می‌شود.

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی با روش تبیین علی است. جهانی شدن به عنوان متغیر نخست و میزان دموکراسی در ایران به عنوان متغیر دوم در نظر گرفته می‌شود که برای سنجش تأثیر متغیر اول بر دوم از روش تبیین علی از نوع مدخلیت علی^۱ استفاده می‌شود. (لیتل، ۱۳۸۱: ۳۹) یعنی تأثیر متغیر اول بر دوم تأثیر ایجاد و علت تامه نیست بلکه متغیر نخست تنها از جهاتی در متغیر دوم تأثیر علی دارد.

بنابراین با ارائه شواهدی دال بر تأثیر جهانی شدن بر گسترش دموکراسی و تقویت جنبش‌های دموکراتیک، جهانی شدن به عنوان یکی از عوامل دخیل در تقویت دموکراتیزاسیون و گسترش جنبش‌های دموکراتیک در کنار عوامل دیگر در نظر گرفته می‌شود.

1. causal relevance

در این بررسی، با توجه به گستره، ابعاد و وجوه جهانی شدن که موجب تبدیل آن به پدیده‌ای در حال گسترش، واقعی و مؤثر بر همه وجوه اندیشه و زندگی بشر شده است، در تعریف آن از عام‌ترین و فراگیرترین تعابیر برای فهم این پدیده استفاده می‌کنیم و از تعاریف تقلیل‌گرایانه‌ای که باعث تقلیل این مفهوم در محدوده اندیشه یا ایدئولوژی خاصی می‌شوند پرهیز می‌کنیم. گرچه دموکراسی در مفهوم متداول و شایع آن پدیده‌ای غربی است، در این جا به مثابه روشی از حکومت به آن توجه خواهد شد.

همچنین با عنایت به سیر تدریجی گسترش دموکراسی در جهان در مقاطع مختلف تاریخ از نظریه امواج دموکراسی (هانتینگتون: ۱۳۷۳) بهره می‌گیریم و با توجه به تعریف عام از پدیده جهانی شدن که در مقاطع مختلف تاریخ به صورت امواج گوناگون ظاهر شده است، جهانی شدن را در مفهوم نوین آن که در دهه‌های پایانی قرن بیستم مطرح شده مورد توجه قرار می‌دهیم و پرسش خود را چگونگی تأثیر این پدیده بر آخرین موج دموکراسی با تأکید بر جنبش دموکراتیک نوین ایران در نظر می‌گیریم.

سابقه و تعریف واژه جهانی شدن

«جهانی شدن» را معادل واژه Globalization دانسته‌اند که از حدود ۱۹۶۰ رواج یافت. لغت‌نامه وبستر برای نخستین بار در سال ۱۹۶۱ تعاریفی برای اصطلاح‌های globalism و globalization ارائه داد (واترز، ۱۳۷۹: ۱۰). در طول دهه هفتاد میلادی این واژه مورد استفاده محافل علمی و دانشگاهی قرار گرفت و به تدریج وارد رشته‌های مختلف علوم شد، به نحوی که امروزه این مفهوم کانون اغلب بحث‌های سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناسی است.

در زبان فارسی با توجه به دیدگاه موجود در فهم این پدیده، معادل‌های مختلفی را چون جهانی شدن، جهان‌سازی (معمدنژاد، ۱۳۸۰: ۸)، جهان‌گستری (رجایی، ۱۳۸۰: ۲۱)، جهانی بودن (جهانبگلو، ۱۳۸۲: ۳-۱) و جهان‌گرایی برای آن وضع کرده‌اند که در هر یک، وجود یا عدم وجود فاعل بیرونی و نوع نگرش مفهومی، در ساختار لفظی هر واژه مورد تأکید قرار گرفته است.^۱

۱. در واقع برخی از معادل‌های ارائه شده نویسندگان مختلف فارسی زبان، معادل کلمات دیگری چون universalism یا globalism است که به اشتباه به جای globalization به کار رفته است.

پیچیدگی و چند وجهی بودن مفهوم جهانی شدن، باعث شده است تا اندیشمندان مختلف بنا به رویکرد خود نسبت به این پدیده، اغلب با تمرکز بر یکی از وجوه این مفهوم به تعریف آن بپردازند. بعضی با تأکید بر بعد اقتصادی جهانی شدن، آن را به معنی «ادغام همه جنبه‌های اقتصادی در گستره‌ای جهانی» (هیرست و تامپسون، ۱۹۹۶: ۴۸) یا «خلق بازار نوین جهانی و به تبع آن سازمان‌های سیاسی فراملی جدید و فرهنگ جهانی تازه» (پتری، ۱۹۹۹: ۲۵۱) دانسته‌اند و برخی همچون مک‌گرو با تأکید بر جنبه سیاسی، جهانی شدن را «برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به نابرابری انجامیده است» (کومسا، ۱۳۷۸: ۱۸۳) تعریف کرده‌اند. بعضی دیگر نیز با نگاه ایدئولوژیک نسبت به این پدیده، آن را «فرآیند غربی کردن جهان» (تیلر، ۲۰۰۰: ۷۰-۴۹)، «شکل جدید استعمار و آخرین مرحله امپریالیسم» (رجایی، ۱۳۷۹: ۳۶۱)، «غلبه لیبرال - دموکراسی در جهان» (بورچیل، ۱۹۹۶: ۴) یا «نوعی آمریکایی شدن» (گیلین، ۱۹۸۷: ۷۹) دانسته‌اند. به نظر می‌رسد برای دستیابی به تعریف صحیح و عام از جهانی شدن تعبیر فشردگی زمان و مکان که افرادی مانند دیوید هاروی (هاروی، ۱۹۸۹: ۱۱)، آنتونی گیدنز (گیدنز، ۱۹۹۱: ۱۹)، رونالد رابرتسون^۱ (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۵)، مارتین آلبرو (آلبرو، ۱۹۹۱) و مالکوم واترز^۲ (واترز، همان: ۲) به کار برده‌اند، جامع‌تر از تعاریفی است که تنها به یک یا چند وجه این پدیده توجه کرده است^۳. در رویکرد این افراد، جهانی شدن به عنوان

۱. رابرتسون عنصر آگاهی را نیز به فشردگی زمان و مکان در تعریف پدیده جهانی شدن می‌افزاید.

۲. واترز به کاهش محدودیت‌های جغرافیایی و روابط اجتماعی در اثر جهانی شدن اشاره می‌کند.

۳. در حالی که افرادی چون سن سیمون، آگوست کنت، امیل دورکیم، ماکس وبر و مارکس تنها اشاره‌ای کلی به جهانی شدن دارند، نویسندگانی چون پارسونز، لوی، کر، دانلوپ، هاریسون، دانیل بل و نیکلاس لومان از بُعد اجتماعی، گوندر فرائک، کوکرافت، سمیر امین، اسکلیر و والرشتاین از بعد اقتصادی، گیلپین، روزنا، برتون و بول از جنبه سیاسی و مک لوهان از جنبه فرهنگی به این پدیده می‌پردازند. اندیشمندان گروه اخیر که از آن‌ها به دسته سوم صاحب‌نظران جهانی شدن تعبیر شده است، به ظهور پارادایم نوینی در پی جهانی شدن اعتقاد دارند:

- N. Luhman. The Differentiation of Society, New York: Columbia University Press, 1982.
- I. M. Kerr, A History of Eurobond Market: The First 21 years, London: Euromony, 1973.
- D. Bell, The coming of post-industrial Society, London: Heiremann, 1973.
- S. Amin, Capitalism in the age of Globalization: The management of Contemporary society, London: zed, 1997.
- L. Sklair, Sociology of the Global System, Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf, 1995.

پدیده‌ای جدید و فراگیر در حوزه‌های مختلف اندیشه و جامعه‌شناسی در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب با تکیه بر مشترکات تعاریف مورد نظر این گروه می‌توان این پدیده را چنین تعریف کرد: «جهانی شدن عبارت است از فرایند فشرده‌گی زمان و مکان که در نتیجه آن، انسان‌های دنیا در نتیجه نیاز به یکدیگر به صورتی آگاهانه به یک جامعه واحد جهانی تبدیل می‌شوند و بدین ترتیب، بسیاری از محدودیتهای جغرافیایی و سیاسی به ترتیبات اجتماعی و فرهنگی در بین جوامع از بین می‌روند یا کاهش می‌یابند».

برخی اندیشمندان از منتقدین جهانی شدن می‌باشند که برخی نکات را متذکر می‌شوند از جمله منقدین می‌توان به هابرماس^۱ «متزلزل شدن انحصار ملت - دولت‌ها» (هابر ماس، ۱۳۸۲)، مارک راپرت^۲ «تأمین منافع نظام سرمایه‌داری» (سلیمی، ۱۳۸۰: ۷۹-۷۷)، امانوئل والرشتاین^۳ «انباشت مستمر کالا براساس شیوه تولید سرمایه‌داری» (نش، ۱۳۸۰: ۸۲)، اشاره کرد. فرایندی به سود قدرت‌های بزرگ و شرکت‌های فراملی، جهانی شدن در مقابل توسعه و... از دیگر ویژگی‌های مورد توجه منتقدان جهانی شدن است.

با وجود دیدگاه‌های مختلف درباره زمان آغاز این پدیده، به نظر می‌رسد با پذیرش تعریف عام جهانی شدن، این پدیده سابقه‌ای به عمق تمدنهای باستانی و ادیان جهان‌شمول داشته باشد که در طول تاریخ دچار فراز و نشیب‌های فراوان شده و اشکال متفاوت و امواج مختلفی داشته است. از تلاش‌های ادیان الهی جهان‌گستر تا جهان‌نگشایی امپراتوری‌های باستان و میل به جهان‌گستری مدرنیسم یا سرمایه‌داری که هر یک بر مفهوم خاصی از جهانی شدن تأکید داشته‌اند همگی گامی در جهت جهانی شدن محسوب می‌شود، با این تفاوت که جهانی شدن در دنیای معاصر و در دهه‌های انتهایی

- I. Wallerstein, Historical Copitalism, London: Verso, 1983.

- H. Bull, The Anarchical Sociology: A Study of order in World Politics, London: Mcmillan, 1977.

- J. N. Roserau, Along the Domestic-foreign, Frontier: Exploning Governance in a Turbulent World, Cambridge: Cambridge University press, 1997.

- M. Mcluhan, Understanding media, London: Routledge, 1964.

1. Jürgen Habermas
2. Mark Rupert
3. emanuel valereshtain

قرن بیستم با مفهومی نوین و شکلی متفاوت ظاهر شده است که بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از اشکال قبلی است.

انقلاب اطلاعاتی، توسعه گسترده فناوری‌های ارتباطی، رشد اقتصادی و بازار نوین جهانی، تحرکات گسترده جمعیتی، رقابت گسترده بازیگران ملی و فراملی و رویدادهای مختلف دیگر باعث شده تا فشردگی زمان و مکان با سرعتی وصف‌ناپذیر پیش رود و ادغام انسان‌ها در جامعه جهانی به مراتب گسترده‌تر و سریع‌تر از قبل به شکلی بدیع انجام شود. بر این اساس، دوره نضج جهانی شدن به مفهوم جدید آن را سال‌های پس از پایان جنگ سرد و از ۱۹۸۹ دانسته‌اند، چرا که وقوع رخداد‌های مهمی چون پایان جنگ سرد، به هم خوردن نظام دوقطبی، افول کمونیسم، ظهور اینترنت، توسعه شبکه‌های ماهواره‌ای و وقایع مشابه موجب تقویت دوباره جریان جهانی شدن و شکل‌گیری موج جدیدی از جهانی شدن شده است (رجایی، ۱۳۸۱: ۳).

ابعاد، وجوه و شاخص‌های جهانی شدن

جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی و هم‌زمان دارای وجوه مختلف فنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است:

۱. بعد فنی یا تکنولوژیک جهانی شدن که در آن از پیشرفت گسترده در فناوری‌های ارتباطات، صنعت حمل و نقل و رشد دانش بشر در زمینه‌های مختلف علم و فناوری نظیر میکروالکترونیک‌ها، فناوری‌های زیستی، صنایع علمی فرآوری مواد جدید، ابزارهای ماشینی، ربات‌ها و رایانه‌ها - سخت‌افزار و نرم‌افزار - (کاکو، ۱۳۸۱: ۲۹) به عنوان یکی از وجوه بنیادین این پدیده یاد می‌شود، بستر اصلی و خاستگاه سایر ابعاد جهانی شدن محسوب می‌شود.

۲. جهانی شدن اقتصاد که تحت تأثیر وقایع مهمی چون توسعه صنعتی، تولد قدرت‌های بزرگ صنعتی، همگرایی‌های منطقه‌ای و جهانی در عرصه اقتصاد، رشد سریع تجارت، توسعه ارتباطات، گسترش حمل و نقل، نیاز به مواد اولیه و بازار مصرف تولیدات کشورهای صنعتی، کمک به بهره‌برداری از معادن، منابع و...، تصرف بازارها، نیاز کشورها به یکدیگر در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، تأثیر اقدامات ملی یا منطقه‌ای در عرصه اقتصاد جهانی و برعکس، توجه به مزیت‌های نسبی کشورها برای کاهش قیمت‌ها، نقل و انتقال سرمایه و رشد شرکت‌های چند ملیتی در اقتصاد جهانی، افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی در مدیریت اقتصادهای ملی در جهان نظیر سازمان تجارت جهانی، WTO، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، شکل‌گیری پول‌های جهانی، نظیر دلار، یورو، ین،

ارتباط بازارها با یکدیگر از طریق بازارهای بورس و سرمایه و... شکل می‌گیرد، وجه مهم دیگری از جهانی شدن است که کاهش کنترل دولت‌ها بر سیاست‌های اقتصادی و افزایش تأثیر عوامل فراملی در شکل‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی در سطح جهان را در پی داشته است (اسکولت، ۲۰۰۰: ۱۳۰-۱۱۱). این وجه دارای ابعاد مختلفی است:

• جهانی شدن تجارت و تبدیل جهان به بازاری برای مبادله کالا و خدمات به نحوی که نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی در کل جهان از ۱ درصد در سال ۱۸۲۰ (مدیسون، ۱۹۹۵: ۱۸). به نقطه اوج خود در سال ۲۰۰۶ به مرز ۵/۳ و در سال ۲۰۱۱ به ۳/۷ رسیده است. این درحالی است که سرانه تولید داخلی در جهان از ۱۱/۳۰۰ دلار در سال ۲۰۰۹ به ۱۲/۰۰۰ دلار در سال ۲۰۱۱ رسیده است (ر.ک. www.indexmundi.com).

- افزایش سرمایه‌گذاریهای خارجی، بین‌المللی شدن بازارهای مالی برای تحصیل وام و سرمایه، شکل‌گیری بازارهای بین‌الملل سهام.^۱
 - تقسیم کار بین‌المللی بین نقاط مختلف جهان براساس ظرفیت‌های موجود در هر منطقه از جهان با دخالت شرکت‌های چندملیتی، که موجب انتقال حجم تولیدات صنعتی از اروپا و آمریکا به کشورهای در حال توسعه شده است (واترز: همان).
 - شکل‌گیری بازار آزاد اقتصادی در سطح جهان همراه با رقابت آزاد که به تعبیر هاروی، عرضه پول، سهام، کالا و امکان تبادل نقدینگی و تحرک سریع آن در سطح جهانی موجود است (هاروی، همان: ۱۶۰).
 - گسترش شرکت‌های چندملیتی و غلبه آنها بر اقتصادهای ملی منطقه‌ای، به نحوی که بیش از ۱۳ درصد تولید محصولات جهانی، ۸۰ درصد سرمایه‌گذاری جهانی و ۲۳ درصد تجارت جهانی به آنها اختصاص دارد (امیر، ۱۹۹۷: ۱۲۶).
 - تحول شرایط سازمانی بازیگران اقتصادی و سازماندهی نوین آنها با هدف کاهش هزینه‌ها و افزایش تولید از طریق توجه به مزیت نسبی در کشورهای گوناگون.
 - مهاجرت گسترده نیروی کار که تبعات گسترده اجتماعی و فرهنگی نیز دارد.
۳. بعد سیاسی جهانی شدن یکی از وجوه اساسی جهانی شدن محسوب می‌شود که خود دارای جنبه‌های مختلفی است:

۱. در مورد آزاد بودن سرمایه از مداخله دولت‌های مختلف، اصطلاح «سرمایه از هفت دولت آزاد» را به کار برده‌اند که دلالت بر کم‌رنگ شدن اهمیت مکان جغرافیایی و مداخله دولت‌ها دارد، اگرچه هنوز نقش و اهمیت دولت‌ها در این زمینه به کلی از بین نرفته است

- تغییر جایگاه ملت- دولت‌ها در نظام جهانی در پی جهانی شدن از ابعاد این پدیده است. با وجود دیدگاه‌های مختلف مطرح در این باره که بعضی قائل به زوال ملت-دولت‌ها در پی جهانی شدن هستند(هوگولت، ۲۰۰۱)، برخی معتقد به بقای جایگاه محوری دولت‌اند(هیرست و تامپسون، همان: ۲۲۶) و عده‌ای نیز با نگاه بینابینی معتقدند دولت‌ها باقی می‌مانند اما شیوه حکمرانی آن‌ها دچار تحول می‌شود (اسکولت، ۲۰۰۰: ۲۲)، اصل تغییر جایگاه دولت‌ها در پی جهانی شدن و واگذاری بخشی از قدرت و وظایف آن‌ها به نهادها و سازمانهای فراملی مسلم است.
- پیدایش بازیگران سیاسی جدید در ابعاد ملی و فراملی که شامل انواع گروه‌های قومی، منطقه‌ای، انجمن‌های صنفی و تخصصی، سازمان‌های فراملی بین‌دولتی و غیرحکومتی (NGO) می‌شود.
- شکل‌گیری نگاه مشترک نسبت به مسائل مشترک میان ساکنان کره زمین که مستلزم یافتن راه‌حل‌های جهانی و مشترک میان همه افراد بشر است، از جمله مسائل مختلف زیست‌محیطی، تروریسم، مواد مخدر بیماری‌های مشترک همچون ایدز و...
- حقوق بشر و ارتقای جایگاه آن به عنوان یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل مشترک میان افراد بشر که به شکل‌گیری ساز و کارها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با آن انجامیده و تأثیر زیادی بر دولت‌های مختلف گذاشته است(هلد، ۲۰۰۰: ۲۷).
- شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نوین که فراتر از خواست و اراده دولت‌ها و بر پایه ارزش‌های مشترک بشری همچون صلح، آزادی، برابری و عدالت شکل می‌گیرد.
- ۴. جهانی شدن در بعد فرهنگی به شکل‌گیری فرهنگ جهانی بر اساس ارزش‌های مشترک بشری می‌انجامد، بی‌آن‌که لزوماً منجر به نفی خرده‌فرهنگ‌های مختلف ملی و محلی شود. تراکم زمان و مکان در اثر گسترش ارتباطات و توسعه اطلاعات از دیگر وجوه مهم جهانی شدن فرهنگی است (رابرتسون، ۱۹۹۲: ۸) که به ایجاد هویت و فرهنگ جهانی کمک می‌کند.
- توسعه کمی و کیفی تماس‌ها و ارتباطات در اثر رشد سریع فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات از دیگر وجوه بعد فرهنگی جهانی شدن است.
- مصرف‌گرایی یا گسترش فرهنگ مصرفی در سطح جهان به موازات رشد صنعت تبلیغات، افزایش تولیدات و توسعه گردشهای مالی و تجاری از تبعات فرهنگی جهانی شدن است.

• احیای دوباره برخی از گروه‌های قومی و محلی همچون قومیت‌های منطقه بالکان و یا گردهای آسیا و... به موازات توسعه فرهنگ جهانی در عصر حاضر، به نوع فرهنگی در آینده نزدیک کمک می‌کند (کلینبرگ، ۱۹۸۲: ۱۶).

۵. بعد اجتماعی جهانی شدن به وقایع مهمی از قبیل موارد زیر اشاره دارد:

• شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی نوگرایانه که خواهان جهانی ساختن ارزش‌های مختلف هماهنگ با اعتقاد خود هستند، اعم از جنبش‌های فمینیستی، صلح‌طلب، حامی محیط‌زیست، کارگری، جوانان و...

• گسترش تحرک اجتماعی و مهاجرت افراد به دلیل آسانی ارتباطات و حمل و نقل (هیرست و تامپسون، همان: ۳۷).

• توجه جدی همه جوامع بشری به مسائل زیست‌محیطی.

گسترش سازمان‌ها و نهادهای فراملی مختلف با کارویژه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همچون سازمان‌های تابع سازمان ملل و سازمان‌های بین‌دولتی و غیردولتی فراملی به نحوی که تعداد سازمان‌های فراملی از ۲۲۴ سازمان در سال ۱۹۰۹ به ۴۹۱۷ سازمان در سال ۱۹۹۱ رسید (کتاب سال، ۱۹۹۲: ۱۶۷۱). و به گزارش سالنامه سازمان‌های بین‌المللی، در سال ۲۰۱۱ بیش از ۳۰/۰۰۰ سازمان بین‌المللی در جهان فعالیت دارند که ۵/۰۰۰ سازمان فعال بین‌دولتی و بیش از ۲۵/۰۰۰ سازمان فعال غیردولتی در سطح جهان در حال فعالیت هستند (ر.ک. به www.uia.be).

ابعاد و وجوه مختلف جهانی شدن به اشکال گوناگون در ساختار نظام‌های سیاسی و فرهنگ سیاسی حاکم در جوامع مؤثر بوده است. برای درک این تأثیر و اندازه‌گیری میزان تأثیر جهانی شدن بر جوامع مختلف، با توجه به ابعاد مختلف آن شاخص‌های زیر را می‌توان برشمرد و با مطالعه و اندازه‌گیری این شاخص‌ها میزان حضور و تأثیر جهانی شدن را در هر جامعه دریافت:

۱. توسعه فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی

۲. تسهیل و افزایش سرعت ارتباطات راه دور میان افراد و جوامع بشری

۳. توسعه رسانه‌های جمعی

۴. افزایش وابستگی و همگرایی جوامع به یکدیگر

۵. تقسیم کار جدید در عرصه بین‌المللی

۶. گسترش فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری

۷. جهان‌گیر شدن بسیاری از نهادها و ارزش‌های بشری

۸. کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی و تشدید وابستگی کشورها و جوامع به یکدیگر

۹. طرح مسائل مشترک بشری برای یافتن راه‌حل‌های مشترک
۱۰. شکل‌گیری هویت فراملی و ایجاد فضاهای اجتماعی فراملی
۱۱. توسعه اقتصاد مبتنی بر گسترش بازارها و رقابت
۱۲. کاهش کنترل دولت‌ها بر اقتصادهای ملی و محلی و فراملی شدن سطح مدیریت و تصمیمات اقتصادی
۱۳. رشد تعداد شرکت‌های فراملیتی و نقش آنها در مدیریت اقتصاد جهانی
۱۴. شکل‌گیری طبقات فراملی و ارتقای سطح منازعات طبقاتی از ملی به بین‌المللی
۱۵. پیدایش بازیگران بین‌المللی جدید اعم از سازمان‌های بین‌دولتی و غیردولتی
۱۶. افزایش تحرک اجتماعی و رشد مهاجرت‌ها
۱۷. شکل‌گیری جنبش‌ها، نهضت‌ها و حرکت‌های نوگرایانه
۱۸. سامان جدید تسلیحاتی در سطح جهان، ایجاد اتحادیه‌های نظامی، سازمان‌های نظامی و...
۱۹. شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نوین بر پایه ارزشهای مشترک بشری

با توجه به شاخص‌های فوق می‌توان میزان توسعه و گسترش پدیده جهانی شدن را در یک جامعه سنجید و آن‌گاه با ارزیابی هر یک از این شاخص‌ها و چگونگی تأثیر آن‌ها بر شاخص‌های دموکراسی، اثرات حاصل از جهانی شدن را بر دموکراسی بررسی کرد.

دموکراسی سازی و امواج دموکراسی:

در مطالعه دموکراسی به عنوان متغیر دوم پژوهش حاضر، اگر دموکراسی را به مثابه یکی از روشهای حکومت یا یکی از انواع ساختارهای نظام سیاسی تلقی کنیم (پام و کلاپمردی، ۱۳۵۸: ۱۰۸)^۱ و به نسبی و تدریجی بودن روند تبدیل نظام‌های سیاسی به نظام‌های دموکراتیک توجه کنیم، مقوله‌ای به نام دموکراتیزاسیون یا دموکراسی‌سازی مطرح می‌شود که به معنی «روند تغییر نظام سیاسی از نظام غیردموکراتیک به دولت نمایندگی» (گروگل، ۲۰۰۲: ۳) یا تغییر مسالمت‌آمیز دولت بر مبنای خواست مردم است. به مجموعه تحولاتی که تحت تأثیر محیط نظام بین‌الملل، شرایط سیاسی و اقتصادی دیگر کشورها و زمینه‌های داخلی منجر به تبدیل نظام سیاسی از غیردموکراتیک

۱. دموکراسی به مثابه روش در برابر دموکراسی به مثابه ایدئولوژی قرار می‌گیرد که در اولی دموکراسی تنها به معنای سازوکار اداره حکومت است، اما در دومی دموکراسی رشته‌ای از ضوابط و سازمان‌های صرف نیست، بلکه قالبی از افکار و اعمال است که در جهت رفاه عمومی، بدان گونه که عموم مردم آن را تفسیر می‌کنند، به کار می‌افتد.

به دموکراتیک می‌شود، امواج دموکراسی گفته می‌شود و با توجه به تعریف جنبش اجتماعی که آن را «فعالیت جمعی برای استقرار نظم جدید در زندگی» (بلومر، ۱۹۶۲: ۱۹۹) دانسته‌اند، به آن دسته از فعالیت‌های جمعی که در صدد ایجاد نظم دموکراتیک و تحکیم ساختارهای دموکراتیک در نظام سیاسی هستند، جنبش اجتماعی دموکراتیک می‌خوانیم در طول تاریخ بروز رویدادها و تحولات مختلف سیاسی اجتماعی منجر به ایجاد امواج گوناگون دموکراسی و جنبش‌های دموکراتیک شده است. بر همین اساس ظهور پدیده جهانی شدن به عنوان پدیده‌ای نوین در عالم اندیشه و عمل سیاسی در دهه‌های اخیر تأثیر بسزایی در شکل‌گیری موج جدید دموکراسی داشته است. برای فهم تأثیرات حاصل از جهانی شدن بر دموکراسی، دموکراسی را همچون امواج مختلف تاریخی در نظر می‌گیریم که تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی دچار فراز و فرود می‌شود و جهانی شدن نیز یکی از عوامل مهم و مؤثر بر موج جدید دموکراسی در سطح جهان بوده است.

یکی از مشهورترین نظریه‌ها درباره امواج دموکراسی، نظریه امواج دموکراسی ساموئل هانتینگتون است که در آن از سه موج دموکراسی در صحنه جهانی یاد می‌شود که در خلال هر یک، کشورهای زیادی در دایره نظام دموکراتیک قرار گرفته‌اند:

۱. موج نخست: در فاصله سال‌های ۱۸۲۸ تا پس از جنگ جهانی اول (۱۹۲۶) که طی آن آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی در این مسیر قرار گرفتند.
۲. موج دوم: از بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) تا ۱۹۶۲ که گروه دیگری از کشورهای فتح شده به دست متفقین یا مستعمرات آزاد شده را در برمی‌گرفت.
۳. موج سوم از ۱۹۷۴ تاکنون (هانتینگتون، ۲۰۰۳: ۱۸-۱۳۷۳).

شیوه گذار نظام‌های سیاسی به دموکراسی در جریان امواج فوق حاکمی از تأثیر فراوان نظام بین‌الملل و رخدادهای جهانی بر آن است. هانتینگتون در مدل مورد استفاده خود با توجه به توالی و ترتیب حوادث، ارتباط این وقایع را تبیین می‌نماید و چگونگی سرایت دموکراسی را به دیگر کشورها در قالب امواج دموکراسی نشان می‌دهد.

تنوع تعاریف، برداشت‌ها و نظریه‌های مطرح درباره دموکراسی به شکل‌گیری مدل‌های گوناگون دموکراسی بر اساس تجربه کشورهای مختلف منجر شده است، به نحوی که امروزه فراتر از مدل‌های کلاسیک دموکراسی همچون دموکراسیهای مستقیم و پارلمانی، انواع نظریات مارکسیستی، نومارکسیستی، نخبه‌گرایانه، کارکردگرایانه،

پلورالیستی، راست نو، دولت حداقل، دموکراسی مشارکتی و... مطرح شده است (هلد، ۱۳۶۹).

علاوه بر این، بروز پدیده جهانی شدن سبب طرح مدل‌های نوینی از دموکراسی شده است. مدل دموکراسی نیمه مستقیم الوین تافلر (تافلر، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۱۱۷)، خودمختاری مستقیم هلد (هلد، همان: ۳۸۰-۳۷۰) و دموکراسی الکترونیک یا دیجیتالی (ویلهم، ۲۰۰۱)، مدل‌هایی از دموکراسی است که اندیشمندان سیاسی با توجه به ویژگی‌های جهانی شدن همچون توسعه ارتباطات، فناوری‌های اطلاعاتی و دیدگاه‌های نوین در مورد دموکراسی مطرح کرده‌اند.

با وجود تنوع مدل‌های دموکراسی و مباحث جدید در این باره، برای فهم میزان دموکراسی سازی ساختار نظام سیاسی، مفاهیمی مانند مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی نهادینه شده و امکان تحرک اجتماعی از ویژگی‌های مؤکد نظام دموکراتیک است. با این حال به نظر می‌رسد به منظور سنجش میزان پیشرفت دموکراسی در هر نظام سیاسی و ارزیابی موفقیت یک جنبش دموکراتیک به کارگیری شاخص‌های معین به منظور اندازه‌گیری وضعیت دموکراسی در جامعه لازم است، به نحوی که می‌توان توسعه این شاخص‌ها را نشانگر رشد دموکراسی تلقی کرد. صاحب‌نظران مختلف شاخص‌های متفاوتی را به منظور تعیین درجه دموکراتیک بودن یک نظام سیاسی در نظر گرفته‌اند که برخی از مهمترین آن‌ها از این قرار است:

۱. عقلانیت بازیگران و گروه‌های سیاسی
۲. وجود انتخابات آزاد و منظم
۳. قدرت تصمیم‌گیری منتخبان مردم
۴. آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی
۵. تفکیک قوا و نظارت قوا بر یکدیگر
۶. وجود آزادی‌های سیاسی
۷. تأمین امنیت و آزادی‌های فردی
۸. وجود قوانین اساسی
۹. وجود فرصت‌های برابر اجتماعی
۱۰. وجود زمینه مناسب اقتصادی برای حفظ و بقای دموکراسی
۱۱. وجود مکانیسم‌های حل منازعه، نفی خشونت و اجرای عدالت
۱۲. رعایت حقوق بشر

تحکیم و گسترش شاخص‌های دموکراسی ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی یا خارجی امکان‌پذیر شود. به نظر می‌رسد پدیده جهانی شدن نیز به واسطه ویژگی‌های بنیادین خود توانسته باشد تأثیر درخور توجهی بر شاخص‌های دموکراسی بر جا گذارد.

دیدگاه‌های مربوط به رابطه جهانی شدن و دموکراسی

درباره تأثیرات ناشی از پدیده جهانی شدن بر دموکراسی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در سه دسته زیر قابل ذکراند:

۱. برخی جهانی شدن را عامل گسترش و تقویت دموکراسی در ساختار نظام‌های سیاسی می‌دانند. نویسندگانی همچون ساموئل هانتینگتون که معتقد به تسری دموکراسی به دیگر کشورهاست، (هانتینگتون، ۴۰: ۱۳۷۳-۱۷) دفاع رابرت نوزیک، فون هایک و میلتون فریدمن از دولت حداقلی، (هایک، ۱۹۷۶: ۶۰-۵۳) پیروان مکتب نظام جهانی^۱ که سعی در فهم مسائل سیاسی در چارچوب نظامی جهانی دارند و بر گذار دموکراتیک در چارچوب موجی جهانی تأکید می‌کنند (والرشتاین، ۱۳۷۷)، حرکت جوامع ملی به سوی لیبرال‌دموکراسی فوکویاما (فوکویاما، ۱۹۹۲: ۵۰-۴۹) و جهان وطنی دیوید هلد (هلد، ۱۹۹۵: ۲۶۷) از این دسته‌اند.

۲. ایجاد مشکل برای اصول بنیادین دموکراسی توسط مک گرو (۱۹۹۷: ۱۲)، سست شدن دولت‌های ملی راب واکر^۲ و موری لو^۳ (اسکولت، ۲۰۰۰: ۲۶۳) و دموکراسی کوتاه‌بینانه فرید زکریا (زکریا، ۱۹۹۷: ۴۳-۲۲) جهانی شدن را به منزله چالشی پیش روی دموکراسی می‌دانند.

۳. گروهی از نویسندگان با نگرش بینابینی نسبت به این موضوع، از قضاوت قطعی در این باره پرهیز کرده‌اند. بر این اساس پدیده جهانی شدن در کنار سایر عوامل مؤثر بر رشد دموکراسی همچون توسعه ارتباطات، رشد نهادهای فراملی و نظایر آن موانع و چالشهایی نیز برای دموکراسی در خود دارد که بر اساس شرایط موجود ممکن است تأثیرات متفاوتی بر جای گذارد (هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۲: ۱۵۶-۱۵۰).

کیت نش نیز یکی از نظریه‌پردازانی است نظری بینابینی به موضوع دارد وی معتقد است که جهانی شدن به معنایی که از آن تعریف می‌شود پدیده‌ای جدید نیست بلکه ادامه

1 . World System

2 . Rob Walker

3 . Murray low

روند مدرنیزاسیون می‌باشد که در طول قرون اخیر آغاز شده و هم اکنون شکلی جدید به خود گرفته است و تمام جهان را تحت تأثیر فرار داده است. فرهنگ جهانی فرهنگی پسامدرن می‌باشد که بسرعت در حال تغییر و دگرگونی جدایی و گسستگی مختلط و تلفیقی است (کیت نش، ۱۳۸۰: ۹۶). اصطلاح فرهنگ جهانی به معنی یکی شدن فرهنگ در سطح جهان نیست بلکه اشاره‌ای به جهانی شدن فرهنگ است. به عبارتی دیگر فرهنگ غربی به عنوان فرهنگ جامع و انسان ساز و متعالی که فقط آن می‌تواند انسانیت اصالت فرد حقوق برابر عدالت و آزادی را متجلی سازد توجه نمی‌شود بلکه با فرهنگهای مختلط دورگه روبه‌رو هستیم. در این مورد باید به فرهنگ پسامدرن به مثابه جهانی - محلی^۱ شدن توجه کرد. در حال حاضر بیشتر الگوی تأثیرات متقابل فرهنگ اقتصاد و مسائل زیست محیطی مطرح است. در حوزه اقتصاد همگی متأثر از روند تحولات جهانی می‌باشند در این سطح نقش ملت - دولت‌ها از بین نرفته بلکه نقش جدیدی به خود گرفته‌اند در حوزه مسائل زیست محیطی از بین رفتن جنگل‌ها گازهای گلخانه‌ای و... به صورت فرایندی درآمده است که نیاز به یک تصمیم گروهی و جهانی دارد. دسترسی آسان به اطلاعات منجر به جهانی شدن فرهنگ شده است اینترنت ماهواره و... از جمله مسائل جدیدی هستند که دیگر دولت‌ها توانایی دور نگه داشتن اتباعشان از این سیل اطلاعات را ندارند.

از نظر ما و هم سوی باکیت نش، نگرش سوم به دلیل پرهیز از قضاوت قطعی و نیز توجه به تفاوت‌های میان شرایط کشورها در فرایند دموکراسی‌سازی مقبول‌تر است تغییرات بصورت گروهی و تأثیرات متقابل در حوزه‌های فرهنگ و اقتصاد و سیاست در این حوزه تبیین می‌شود. این دسته تلاش می‌کنند نشان دهند که با وجود از مرکزیت افتادن دولت، دموکراسی تحت شرایطی همچنان قابل اجراست (کیت نش، ۱۳۸۰: ۲۷۳-۲۵۶).

راه‌های تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی

جهانی شدن به اشکال و شیوه‌های مختلفی در رشد دموکراسی و تقویت جنبش‌های دموکراتیک تأثیرگذار بوده است:

۱. جهانی شدن سبب تحول در تعریف دموکراسی و نظام دموکراتیک شده است. امروزه علاوه بر ویژگی‌ها و شاخص‌های کلاسیک دموکراسی، مشخصه‌های جدیدی همچون توجه به نهادهای مدنی، پذیرش ویژگی‌های جهان‌گستر فرهنگ جهانی همچون

حقوق بشر و پذیرش دموکراسی در بعد فراملی نیز به تعریف دموکراسی افزوده شده است و موجب توسیع تعریف دموکراسی و بالا رفتن سطح توقع در تعریف نظام دموکراتیک شده است.

۲. توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات راهکار دیگری است که جهانی شدن به واسطه آن توانسته است در افزایش آگاهی ملتها و رشد اراده شهروندان برای دخالت در سرنوشت سیاسی خویش مؤثر باشد. رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، رایانه، نامبر و... باعث شده است افکار و اطلاعات بدون هیچ‌گونه کنترل و مزاحمت سیاسی از مرزهای ملی عبور کند (هولتون، ۱۹۹۸: ۱).

۳. فضای به وجود آمده تحت تأثیر رشد ارتباطات و شبکه‌های نوین ارتباطی را «فضای سبیرنتیک»^۱ خوانده‌اند که همچون شبکه اعصاب جامعه جهانی، کار تبادل اطلاعات و آگاهی میان جوامع و انسان‌ها را بر عهده دارد (مور، ۱۹۹۷). فضای سبیرنتیک عرضه آرا و اندیشه‌ها و حضور افراد مختلف را به عنوان بازیگران فعال در عرصه سیاسی ممکن ساخته است (رجایی، ۱۳۸۰: ۳۹-۴۰).

در دنیایی که گفته می‌شود «جایگاه اجتماعی هر فرد بر اساس قدرت وی در دستیابی به اطلاعات جدید مشخص می‌شود» (همشهری، ۱۳۸۱) اینترنت ابزاری مؤثر برای ایجاد روابط دوسویه میان افراد و گروه‌ها، امکان طرح و نقد دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف از جمله مزایای این شبکه است که به تحکیم جامعه مدنی و بستر سازی برای دموکراسی کمک می‌کند.

در کنار اینترنت، از نقش روزافزون ابزارهای قدیمی‌تر ارتباطات همچون کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون در افزایش اطلاعات و آگاهی نمی‌توان چشم پوشید. اگرچه امروزه به دلیل تفوق رسانه‌های دنیای غرب و سلطه دستگاه‌ها و بنگاه‌های غربی بر تولید و توزیع اطلاعات در رسانه‌های جهان، همواره خطر غربی شدن یا آمریکایی شدن این رسانه مطرح و مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفته است (راپرت، ۲۰۰۰)، برخی از آن‌ها نیز گسترش این رسانه‌ها را به معنی تحکیم دموکراسی واقعی ندانسته‌اند (گنو، ۱۵۰: ۱۳۸۰-۱۳۳). با این حال، اصل تأثیر توسعه رسانه‌ها و گسترش ارتباطات در بستر سازی برای دموکراسی انکارناپذیر به نظر می‌رسد.

۴. توسعه بازارهای اقتصادی رکن مهمی از جهانی شدن است. نیاز به افزایش تجارت جهانی، جابه‌جایی کالا، سرمایه و خدمات منجر به گشودن درهای اقتصاد ملی،

توسعه اقتصادی کشورها و افزایش رفاه همگانی شده است (گروبیچ، ۱۹۸۶). رسیدن به سطحی از توسعه اقتصادی می‌تواند به عنوان پیش شرطی برای رسیدن به دموکراسی تلقی شود. صاحب‌نظرانی چون رابرت دال در مفهوم پلی‌آرشی خود و لیپست، رفاه اقتصادی را زمینه ساز و موجب تضمین آزادی‌های سیاسی و تقویت دموکراسی می‌داند (لیپست، ۱۹۵۹: ۱۰۵-۶۹). تجربه برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی که توسعه اقتصادی آن‌ها موجب تقویت روند دموکراتیزاسیون شده است، مؤید این ادعاست (مدیسون، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

از نظر گروگل تجارت آزاد به عنوان یکی از ارکان لیبرالیسم سبب رشد طبقه متوسط، تقویت شهروندی و ایجاد جامعه مدنی می‌شود و لیبرالیسم همچون یک ایدئولوژی محافظ، در حفظ و استمرار آن مؤثر است (گروبیچ، همان).

۵. شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید، از دیگر راه‌های تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی است. انواع جنبش‌های دانشجویی، حقوق مدنی، زنان، زیست محیطی، صلح، ضدنژادپرستی، حقوق مردم بومی و... این جنبش‌ها که غالباً نسبت به تمرکز بوروکراتیک و اقتدارگرایی دولت‌ها بدبین هستند و بیشتر به سوی جامعه مدنی و دموکراتیک گرایش دارند در اثر بروز پدیده جهانی شدن و با کمک ارتباطات جهانی در ابعاد گسترده‌تر در سطوح فراملی و با اهدافی جهانی مطرح شده‌اند.

۶. بعد دیگر تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی، تأثیر آن بر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نوین با عناصر دموکراتیک بیشتر است. گسترش ارتباطات و فشردگی زمان و مکان در انتقال مفاهیم به سبب تأثیرپذیری از رسانه‌های جمعی و ماهیت دموکراتیک موجب جهان‌گیر شدن بسیاری از ارزش‌های دموکراسی همچون حقوق بشر، جامعه مدنی، آزادی‌های سیاسی، رقابت جمعی و مشارکت سیاسی و تقویت جنبش‌های دموکراتیک شده است (هلد، ۱۹۹۹).

۷. جهانی شدن با طرح برخی مسائل مشترک جهانی که مستلزم یافتن قواعد و راهکارهای فراملی است، به مشارکت گسترده‌تر در فضای جهانی و تأثیرپذیری بیشتر از این فضا کمک کرده است. انواع مسائل مربوط به کره زمین، مسائل زیست‌محیطی (از قبیل آلودگی‌ها، انقراض گونه‌ها و...)، مسئله حقوق بشر، مسائل زنان، اقلیت‌های قومی و نژادی، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، جنایات جنگی، رقابت‌ها و مسابقات منطقه‌ای در زمینه‌های علمی، فرهنگی و ورزشی (زایتس، ۱۳۸۰) به شکل‌گیری نهادها، سازمان‌ها و رژیم‌های مختلف منطقه‌ای و جهانی انجامیده است که تأثیر بسزایی بر شرایط داخلی، قوانین و مقررات کشورها و ساختار نظام سیاسی حاکم بر آن‌ها داشته است (هلد: همان).

کشورها در مواردی برای عضویت در این مجامع و سازمان‌ها مجبور به تن در دادن به قواعد و هنجارهای مورد نظر آن‌ها می‌شوند که این امر باعث کاهش اقتدار آن‌ها و پذیرش شرایطی می‌شود که مستلزم رعایت قواعد دموکراتیک است.

امروزه نهادها و دستگاه‌های بین‌المللی چنان قدرت و اقتداری یافته‌اند که در برخی موارد، بنابر رأی و نظر اعضای جامعه بین‌الملل به راحتی و برخلاف اراده و اقتدار کشورهای مقرر و هنجارهای بین‌المللی را رعایت نکرده‌اند، وارد عمل می‌شوند. مواردی همچون دستگیری پینوشه (دیکتاتور سابق شیلی)، مداخله آمریکا در لیبی، عراق و افغانستان به بهانه برخورد با تروریسم، برخورد با کشورها به دلیل بی‌توجهی به مبانی حقوق بشر یا تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی به شیوه‌های مختلف همچون تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، نمونه‌هایی از تأثیر این نهادها در تحمیل مبانی دموکراسی به دولت‌هاست.

۸. جهانی شدن به گسترش انواع سازمان‌های غیرحکومتی (NGOs) در سطوح ملی، فراملی و جهانی کمک شایانی کرده است اگرچه این رابطه دو سویه است و جهانی شدن خود در گسترش این سازمان‌ها مؤثر بوده است. این سازمان‌ها که معمولاً وابستگی خاصی به نظام سیاسی حاکم در کشورها ندارند، حول موضوعات و مسائل مختلفی همچون ارزشهای بشری و مبانی دموکراسی شکل گرفته‌اند و عملاً مانند گروه‌های فشار نقش مؤثری در ایجاد جنبش‌های دموکراتیک و تقویت دموکراسی در ساختار نظام سیاسی کشورها داشته‌اند (اوبرین، ۲۰۰۰: ۱۳۸).^۱

مجموعه موارد فوق نشان می‌دهد جهانی شدن به واسطه ایجاد و وجوه مختلف خود در رشد دموکراسی و تقویت جنبش‌های دموکراتیک در سطح جهان تأثیر مثبت داشته است. اگرچه نمی‌توان آن را تنها عامل تقویت دموکراسی دانست. فهم این تأثیر در مورد ایران، مستلزم توجه به شرایط سیاسی تاریخی این کشور است.

امواج دموکراسی در ایران

۱. جهانی شدن پس از دهه ۱۹۶۰ به رشد سازمان‌های غیرحکومتی و مشارکت آن‌ها در حکومت کمک شایانی کرده است و بسیاری از فعالیت‌های رفاهی دولتی و مجامع جهانی به این سازمان‌ها واگذار شده است. به عنوان نمونه نسبت مشارکت سازمان‌های غیرحکومتی در برنامه‌های بانک جهانی طی دوره ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸ از ۶ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است. همچنین تأثیر NGOها و همایش‌های آن‌ها در موضوعات مختلف در برنامه‌ها و اعلامیه‌های سازمان ملل متحد محسوس است.

برای فهم تأثیر جهانی شدن بر گسترش دموکراسی در فرهنگ سیاسی و ساختار نظام سیاسی ایران توجه به سابقه دموکراسی در ایران ضروری است تا بتوان تغییراتی که در اثر جهانی شدن رخ می‌دهد را درک کرد. به این منظور، با بهره‌گیری از نظریه امواج دموکراسی هانتینگتون و تطبیق تاریخی این امواج با وضعیت نظام سیاسی حاکم در ایران، می‌توان از سه جنبش دموکراتیک اصلی در دوره معاصر تحت عنوان امواج دموکراسی در ایران یاد کرد:^۱

۱. موج نخست: انقلاب مشروطه، که باید آن را بازتابی از همزمانی با موج اول دموکراسی در غرب بر اساس نظر هانتینگتون دانست. (هانتینگتون، ۲۰: ۱۳۷۳-۱۹) این موج تحت تأثیر جنبش‌های آزادی‌خواهی در داخل و تحولات دموکراتیک در کشورهای مختلف اروپایی همچون روسیه، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و برخی کشورهای آسیایی از قبیل ترکیه عثمانی، مصر، هند، ژاپن و چین شکل گرفت و به برپایی نظام مشروطه پارلمانی در ایران در ۱۲۸۵ (ه. ش) منجر شد.

۲. موج دوم: از پایان استبداد رضاشاهی در شهریور ۱۳۲۰ تا شکل‌گیری جنبش ملی نفت. این شرایط که با دومین موج دموکراسی مورد نظر هانتینگتون (۱۹۴۳ - ۱۹۶۲) همزمان بود و بیشتر محصول خلأ قدرت به وجود آمده پس از سقوط استبداد رضاشاهی بود لذا از آن به نوعی دموکراسی «ضعیف، نیم‌بند و لجام گسیخته» تعبیر کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۲۰).

در این دوره با حضور برخی احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌های سیاسی، به تدریج جنبشی با آرمان‌های دموکراسی و ناسیونالیسم به وجود آمد و به نهضت ملی شدن نفت منتهی شد که علی‌رغم شروع پاره‌ای اصلاحات سیاسی اجتماعی، با کودتای مرداد ۱۳۳۲ متوقف شد. این موج اگرچه با موج دوم دموکراسی مورد نظر هانتینگتون در جهان

۱. باید توجه داشت استفاده از تعبیر موج صرفاً به منظور الگوبرداری از نظریه امواج دموکراسی برای فهم تحولات دموکراتیک در ایران است، چرا که امواج دموکراسی در ایران در مقایسه با آنچه هانتینگتون موج دموکراسی می‌خواند و در گستره‌ای جهانی به تغییر نظام‌های سیاسی به نظام‌های دموکراتیک می‌انجامد متفاوت و دارای گستره، عمق و تأثیر بسیار محدودتری است. شاید بتوان این حرکت‌ها را شبه موج یا موج کوتاه دانست.

۲. هانتینگتون موج اول دموکراسی را از ۱۸۲۸ تا ۱۹۲۶ می‌داند که بیشتر شامل کشورهای اروپایی و امریکا می‌شود.

هم‌زمان بود اما به دلیل دخالت‌های بیگانگان در حمایت از دولت استبداد و ایجاد کودتا در ایران، به واسطه سرکوب مردم عملاً بی‌ثمر ماند.

۳. موج سوم: انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ و تحولات بعدی. این موج با سومین موج دموکراسی مورد نظر هانتینگتون که با زوال نظام دیکتاتوری از ۱۹۷۴ در پرتغال آغاز شده بود، مصادف است.^۱ این جنبش مردمی به اشکال مختلف از افکار آزادیخواهانه و جنبش‌های دموکراتیک در دنیا تأثیر پذیرفت و نهایتاً به نظام جمهوری اسلامی که تلفیقی از اندیشه جمهوری خواهی و دین‌باوری بود، منجر شد.

رویدادهای پیش از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ بازتابی از مجموعه تحولات داخلی و خارجی در فاصله سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بود که موجب شکل‌گیری یک جنبش دموکراسی خواهی جدید در چارچوب نظام حاکم شد و در انتخابات خرداد ۱۳۷۶ تبلور یافت. به نظر می‌رسد علاوه بر عوامل داخلی، مجموعه تحولات جهانی شدن در پی فروپاشی نظام دوقطبی، اتمام جنگ سرد و گرایش به تعمیم جهانی ارزش‌ها افزایش تعاملات دیپلماتیک و... تأثیر بسزایی در شکل‌گیری این جنبش داشته است. این جنبش در ادامه سومین موج جهانی دموکراسی جا می‌گیرد که با گسترش پدیده جهانی شدن، گستره وسیعتری یافته است.

وضعیت دموکراسی در ساختار نظام سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب

اسلامی ایران

برای فهم تأثیرات حاصل از جهانی شدن بر امواج دموکراسی در ایران، ابتدا باید وضعیت نظام سیاسی این کشور را پیش از بروز امواج جهانی شدن مورد توجه قرار داد تا بتوان تغییرات حاصل از جهانی شدن در شاخص‌های دموکراسی را مطالعه کرد. در صورتی که سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به چهار دوره تقسیم کنیم،

۱. اگرچه هانتینگتون نامی از انقلاب اسلامی ایران به عنوان حرکت دموکراتیک نمی‌برد و اعتقادی به دموکراتیک بودن نظام جمهوری اسلامی ایران ندارد (هانتینگتون، همان، ص ۷۵ و ۳۲۱). ولی باید توجه داشت که جنبش آزادیخواهی مردم ایران که در بهمن ۵۷ به ثمر رسید در سال‌های دهه ۱۳۵۰ (۱۹۷۰ میلادی) و هم‌زمان با جنبش‌های دموکراتیک در غرب به مرحله حساسی رسیده بود که از نظر بسیاری از صاحب‌نظران شمارش معکوس برای سقوط رژیم پهلوی محسوب می‌شد. بنابراین سال‌های دهه هفتاد میلادی همان‌طور که برای دموکراسی در غرب مقطع حساسی بود برای ایران نیز مقطع مهم و حساسی بوده است.

شرایط بالنسبه متفاوتی را از لحاظ فرهنگ سیاسی، ساختار نظام سیاسی حاکم و میزان دموکراتیک بودن آن مشاهده می‌کنیم:

دوره نخست: فاصله بین پیروزی انقلاب تا مرداد ۱۳۶۰. در این فاصله به دلیل فضای باز ایجاد شده بعد از انقلاب، شاهد فعالیت آزادانه احزاب، گروه‌ها و مطبوعات هستیم و نوعی دموکراسی غیر نهادینه حاکم است که با تشدید اختلافات برخی گروه‌ها با نظام سیاسی حاکم و آغاز مبارزه مسلحانه آن‌ها با رژیم، به تدریج دوره جدیدی به وجود آمد.

دوره دوم: سال‌های بین مرداد ۱۳۶۰ تا ارتحال امام خمینی در خرداد ۱۳۶۸. در این دوره به دلیل شرایط خاص سیاسی، درگیر بودن کشور در جنگ هشت ساله با عراق، گرایش سیاسی نخبگان حاکم و تأثیر شخصیت کاریزماتیک امام خمینی در رأس نظام اسلامی، بخشی از مشروعیت نظام سیاسی، مشروعیت مبتنی بر آموزه‌های ایدئولوژیک و رهبری کاریزماتیک امام خمینی و بخشی نیز متکی بر مشروعیت قانونی و رأی مردم بود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۸۱-۴۷). به همین دلیل، نظام سیاسی حاکم در این دوره را باید نظامی ایدئولوژیک که واجد برخی عناصر دموکراتیک و برخی عناصر دولت اقتدارگراست، دانست (انصاری، ۲۰۰۰: ۵۱-۴۰).

دوره سوم: فاصله زمانی بین ارتحال امام خمینی تا خردادماه سال ۱۳۷۶. در این دوره سیاست‌های بازسازی اقتصادی و توسعه اجتماعی بصورت محدود در اولویت قرار گرفت. سیاست‌های توسعه اقتصادی و سیاست تشنج‌زدایی در روابط خارجی در تقویت روابط با سایر کشورها و تأثیر از دستاوردهای جهانی مؤثر واقع شد. تصدی‌گری دولت در بخش اقتصاد شروع به کاهش نمود و فضا برای بازنگری فعالیت گروه‌ها، احزاب و مطبوعات بازتر شد. مجموعه تحولات این دوره تأثیر فراوانی از پدیده جهانی شدن و تبعات آن پذیرفت.

دوره چهارم: سال‌های پس از خرداد ۱۳۷۶ تاکنون. در این دوره به دلیل فضای سیاسی ایجاد شده بعد از انتخابات دوم خرداد ۷۶، توسعه سیاسی و تحکیم مبانی دموکراتیک نظام در زمره مطالبات جنبش اجتماعی دوم خرداد قرار گرفت و فضای جدید برای توسعه شاخص‌های دموکراسی همچون رقابت آزادانه احزاب و گروه‌های سیاسی، گسترش آزادی مطبوعات و برخی اصول دموکراتیک فرومانده از قانون اساسی همچون انتخابات شوراها به وجود آمد. تقویت مبانی قانونی و دموکراتیک مشروعیت نظام و گسترش فرهنگ سیاسی مشارکتی باعث شده تا از این دوره به عنوان دوره حاکمیت «شبه دموکراسی» یاد کنند (بشیریه، همان: ۵۷-۵۳).

زمینه‌ها و تحولات مؤثر در نضج جنبش دموکراسی‌خواهی در ایران عصر

جهانی شدن

در سال‌های بعد از جنگ سرد یا دوره شکل‌گیری شکل نوین پدیده جهانی شدن، برخی زمینه‌ها و تحولات سیاسی اجتماعی بستر مناسبی را برای تأثیرپذیری از فرایند جهانی شدن در جهت رشد دموکراسی و تقویت جنبش‌های دموکراتیک به وجود آورد:

۱. تقویت طبقه متوسط اقتصادی که از زمان پهلوی دوم جایگاه محکم‌تری یافته بودند به همراه رشد طبقه متوسط جدیدی که با گروه حاکم سخت‌ایدئولوژیک نداشتند و به دنبال آرمان‌های دموکراتیک بودند.

۲. شکل‌گیری سازمان‌ها، احزاب و نیروهای سیاسی جدید که دارای شعارها و اهداف دموکراتیک بودند (رزاقی، ۱۳۷۸: ۱۹۰-۱۸۳).

۳. بروز شکاف‌های مختلف اجتماعی همچون شکاف جنسیتی و دگرگونی جایگاه زنان در جامعه به دلیل افزایش میزان تحصیلات و اشتغال آنان، تأثیری جدی بر مشارکت سیاسی آن‌ها گذاشت. تعداد زنان باسواد کشور ۴۱/۱٪ جمعیت باسوادان کشور در سال ۱۳۶۵ به ۴۵/۹٪ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده بود. این درحالی است که در آخرین سرشماری عمومی در سال ۱۳۹۰ بیش از ۴۰ درصد عنوان گردیده است. تعداد دختران پذیرفته شده در مراکز آموزشی عالی از ۲۸/۹٪ درصد در سال تحصیلی ۱۳۷۰-۷۱ به ۴۲/۶٪ درصد در سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶ رسید و در سال ۱۳۹۰ به رقم ۲۹۵۵۱۹۸ نفر رسیده که قریب به ۴۵ درصد از تحصیلکرده‌های کشور را تشکیل می‌دهند و تعداد زنان شاغل از ۹۷۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ به یک میلیون و ۷۶۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ و در حال حاضر نزدیک به دو میلیون و ۳۸۲ هزار نفر از زنان شاغل می‌باشند (ر.ک. به www.sci.org.ir).

۴. شکاف سنی، تغییرات جمعیتی و جوان شدن جامعه که موجب تغییر تقاضاهای جامعه به سمت تقاضاهای سیاسی و جوان‌پسندتر شد (ر.ک. به www.sci.org.ir).

سال	کل جمعیت	جمعیت	جمعیت	جمعیت	جمعیت	جمعیت
		۴ تا ۰	۹ تا ۵	۱۴ تا ۱۰	۱۹ تا ۱۵	۲۰ تا ۲۴ سال
		سال	سال	سال	سال	
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	٪۱۶.۱	٪۱۵.۶۵	٪۱۲.۷۶	٪۱۰.۷۳	٪۸.۲۸
۱۳۶۵	۴۹۴۵۵۰۰.۸	٪۱۸.۲۸	٪۱۵.۲۱	٪۱۱.۹۳	٪۱۰.۴۹	٪۸.۴۷

۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	%۱۰.۲۶	%۱۴.۱۲	%۱۵.۱۲	%۱۱.۸۴	%۸.۶۹
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	%۸.۲۹	%۷.۵۲	%۷.۵۴	%۸.۷۹	%۱۱.۱۹

وضعیت جمعیت ایران

گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشین از ۴۷٪ در سال ۱۳۵۵ به ۵۳.۶۴۶.۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته که قریب به ۷۵ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که به دلیل برخورداری شهرنشینان از امکانات وسیع‌تر ارتباطی و آموزشی، در گرایش آن‌ها به فرهنگ دموکراتیک مؤثر بوده است (ر.ک. به www.sci.org.ir).

۵. شکاف اقتصادی، افزایش فاصله طبقات بالا و پایین جامعه و وجود مشکلات شدید اقتصادی برای طبقات فقیر (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۷۷)^۱، سبب رشد نارضایتی آن‌ها و افزایش مطالبات سیاسی به منظور بهبود وضعیت اقتصادی و تلاش برای مشارکت در قدرت سیاسی همراه با طبقات ثروتمند شد.

۶. شکاف علمی- آموزشی به معنای افزایش میزان سواد و تحصیلات در جامعه، به نحوی که نرخ سواد در ایران از ۴۱/۸ درصد در ۱۳۵۹ به ۵۷/۱ درصد در سال ۱۳۶۷ و ۷۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش داشته و تعداد دانشجویان از ۱۵۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱.۲۵۰.۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۶ رسید. با افزایش دانشجویان در سال‌های اخیر این آمار در سال ۱۳۹۰ به تعداد ۴/۱۳۸/۹۵۶ می‌باشد (ر.ک. به www.sci.org.ir).

این تحول سبب تغییر خواسته‌های افراد جامعه به سمت مطالبات سیاسی شده است. ۷. شکاف سنت و مدرنیسم به رشد گفتمانهای سیاسی و در نتیجه، قوام گروه‌های مختلف سیاسی و ایجاد رقابت میان آنها کمک کرده است.

۸. توسعه گفتمان مردم سالاری دینی و طرح راهکارهای مختلف تألیف دین و دموکراسی به تحکیم مبانی جنبش دموکراسی خواهی کمک کرده است.

۹. تلاش برای استفاده از ظرفیتهای نهفته قانون اساسی در بسترسازی برای استقرار دموکراسی مؤثر بوده است.

۱۰. تغییرات ارزشی منتج از تحولات سیاسی - اجتماعی داخلی و خارجی به دلیل افزایش گرایش مردم به اصول آزادی و دموکراسی در بسترسازی برای دموکراسی مؤثر بوده است.

۱. گفته شده در ایران سهم ۲۰٪ اقشار پایین جامعه از درآمد ملی حدود ۱۲٪، سهم ۴۰٪ اقشار متوسط حدود ۳۶٪ و سهم ۲۰٪ اقشار بالا حدود ۵۰٪ است.

تأثیر شاخص‌های جهانی شدن بر تقویت جنبش دموکراسی‌خواهی در ایران

معاصر

علاوه بر بسترها و زمینه‌های داخلی فوق که بعضاً خود متأثر از فضای بین‌الملل و محیط جهانی هستند، شاخص‌های مختلف جهانی شدن در تقویت دموکراسی در ایران، در سالهای پس از ظهور پدیده جهانی شدن مؤثر بوده است.

جهانی شدن در دو سطح بر دموکراتیزاسیون نظام سیاسی ایران مؤثر بوده است. سطح نخست، تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی جنبش دموکراسی‌خواهی و سطح دوم، تأثیر آن بر ساختار نظام سیاسی است، که هر دو کاملاً مرتبط و وابسته به یکدیگرند. به بیان دیگر، توسعه دموکراسی را می‌توان دارای دو مؤلفه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دانست که اولی نهادها و ساختارهای سیاسی و دومی فرهنگ سیاسی دموکراتیک است که شامل نگرشها، باورها، ارزشها، شناخت، آگاهی سیاسی و قضاوت و احساس مردم نسبت به حکومت می‌شود (استیل، ۱۹۷۲: ۲۱۸).^۱ هر دو مؤلفه بر یکدیگر مؤثرند و رابطه‌ای دوسویه میان آنها موجود است.

با توجه به امواج مختلف دموکراسی در تاریخ معاصر ایران، می‌توان دریافت هر بار که شاهد رشد جنبش دموکراسی‌خواهی در فضای سیاسی ایران بوده‌ایم، علاوه بر بسترها و زمینه‌های داخلی، عوامل تأثیرگذار خارجی همچون فضای حاکم بر نظام بین‌الملل و روند دموکراتیزاسیون در دیگر کشورها نیز مؤثر بوده است.

برای درک تأثیر متغیر نخست پژوهش حاضر یعنی جهانی شدن بر دموکراسی در ایران، ابتدا باید میزان گسترش این پدیده و رشد شاخص‌های آن را در این کشور بررسی کرد، سپس تأثیر این تغییر را بر متغیر دوم یعنی دموکراسی در ایران سنجید. شواهد زیر نشان می‌دهد همزمان با گسترش جهانی شدن در دنیای معاصر، طی سالهای پس از اتمام جنگ سرد، شاخص‌های این پدیده در ایران نیز در حال افزایش بوده است.

۱. تعریف فرهنگ سیاسی عبارت است از مجموعه‌ای از نگرش‌ها، عقاید و احساسات که به فرایند سیاسی نظم و معنا می‌بخشد و فرصت‌های زیربنایی و قواعد حاکم بر رفتار سیاسی را در نظام سیاسی تعیین می‌کند.

۱. تغییرات ایجاد شده در ساختارهای اجتماعی ایران از قبیل افزایش جمعیت، جوان شدن جمعیت، توسعه جمعیت شهرنشین (در حال حاضر رقمی بیش از ۷۵ درصد) (ر.ک. به www.sci.org.ir)، رشد نرخ باسودی و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، موجب گسترش استفاده از فناوریهای نوین ارتباطی و رسانه‌های جدید و در نتیجه رشد میزان آگاهی افراد جامعه از تحولات جهانی، اندیشه‌ها و آرای جدید درباره سیاست، حکومت و شرایط تحولات موجود در کشورهای مختلف دموکرات یا غیردموکرات جهان شده که خود سبب رشد مطالبات آن‌ها برای آزادی و دموکراسی شده است.

۲. افزایش تعداد کتاب‌های منتشرشده، رشد مطبوعات، بالا رفتن میزان استفاده از رادیو، تلویزیون، ویدئو، شبکه‌های ماهواره‌ای، تلفن‌های ثابت و سیار، افزایش سفرها و گسترش نفوذ اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای نشانه‌هایی از گسترش پدیده جهانی شدن است که تأثیر بسزایی در رشد آگاهی‌های عمومی و تحول فرهنگ سیاسی مردم ایران داشته است. افزایش تعداد عناوین کتاب‌های منتشرشده از ۳۸۱۲ عنوان در ۱۳۶۵ به ۱۲۸۹۷ عنوان در ۱۳۷۵ و در دهه ۸۰ از ۵۳۵۷۰ عنوان کتاب منتشر شده در سال ۱۳۸۴ به ۶۴۶۰۶ عنوان در سال ۱۳۸۹ رسیده است (ر.ک. به www.farhang.gov.ir). تعداد مطبوعات منتشر شده از ۲۴۵ عنوان در ۱۳۶۵ به ۴۸۵ عنوان در ۱۳۷۵ (گزارش توسعه انسانی، ۱۳۷۸: ۷۹)، در سال ۱۳۸۵ به ۲۱۴۰ و در سال ۱۳۸۹ به ۴۱۲۷ عنوان افزایش یافته است. گسترش چشمگیر تولید فیلم‌های سینمایی که تولید سالانه آن از ۷۰ عنوان فیلم در سال ۱۳۸۴ به ۹۶ عنوان در سال ۱۳۸۹ افزایش یافته که نمونه‌هایی از این موضوع است (ر.ک. www.farhang.gov.ir)

توسعه روزافزون رسانه‌های الکترونیکی جدید از نمابر و گیرنده‌های ماهواره‌ای تا رایانه، شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت که ماهیتاً کمتر از طرف دولت‌ها در معرض تحدید و سانسور قرار دارد، در ایران توانسته است به انتقال روزآمد اطلاعات، جابه‌جایی ارزش‌های فرهنگی و افزایش دانش و آگاهی شهروندان ایرانی کمک کند و به این ترتیب، در آشنایی بیش از پیش ایشان با ارزش‌های مشترک بشری همچون دموکراسی و ایجاد تقاضا برای آن مؤثر واقع شود.

۳. امروزه برای مطالعه جایگاه هر کشور در عرصه ارتباطات نوین و میزان فاصله آن از سطح جهانی، از تعبیر «شکاف دیجیتال» استفاده می‌کنند. این شکاف را با شاخص‌های متفاوتی می‌سنجند که مشهورترین آن‌ها شاخص ISI به معنی شاخص جامعه اطلاعاتی^۱

است که بانک جهانی ارائه کرده و شامل ۲۴ متغیر در زیرساخت‌های چهارگانه رایانه، اینترنت، ارتباطات و زیرساخت اجتماعی است که هر یک، متغیرهای مختلفی چون تعداد PC نصب یا حمل شده، مخارج نرم‌افزاری و سخت‌افزاری رایانه‌ها، تعداد کاربران اینترنتی، حجم تجارت الکترونیکی، تعداد خطوط تلفن، سرانه مالکیت گیرنده‌های رادیو، تلویزیون، ممبر و تلفن همراه، زیرساخت‌های اجتماعی همچون تعداد دانش‌آموز، نرخ مطالعه مطبوعات، آزادی‌های مدنی و... را شامل می‌شود. بر این اساس، کشورهای مختلف جهان بر مبنای وضعیت متغیرهای فوق در سال ۲۰۰۱ مطالعه و به پنج گروه مختلف از «پیش‌تازان» عرصه ارتباطات تا «تازه‌واردان» به این عرصه تقسیم شده‌اند. و ایران جزو تازه واردها محسوب می‌شود، یعنی هنوز از زیرساخت‌های لازم برای بهره‌برداری از عصر دیجیتال برخوردار نشده است. با این حال تحت تأثیر جهانی شدن، در این عرصه پا نهاده است.

۴. بر اساس شاخص دیگری به نام HDI^۱، در میان ۱۷۳ کشور، ایران رتبه ۸۹ را در سال ۲۰۱۱ اخذ کرده است. با وجود این، مقایسه وضعیت متغیرهای مؤثر بر این شاخص در ایران از سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۱ رو به رشد بوده است (ر. ک. به www.hdrstats.undp.org).

شاخص HDI	سال
٪۴۳۷	۱۹۸۰
٪۵۳۴	۱۹۹۰
٪۶۳۶	۲۰۰۰
٪۶۷۱	۲۰۰۵
٪۷۰۷	۲۰۱۱

در این شاخص، متغیرهایی چون تعداد تلفن ثابت و همراه در هر هزار نفر، نحوه توزیع مخارج عمومی برای بخش‌های مختلف و... سنجیده می‌شود. در سال ۱۳۸۰ در ایران تعداد تلفن ثابت و همراه فعال به ترتیب، ۱۰۸۹۶۵۷۲ و ۲۰۸۷۳۵۳ دستگاه بوده است که در سال ۱۳۹۰ به ۲۶۳۶۲۳۷۰ دستگاه ثابت و بیش از ۴۸۰۰۰۰۰ دستگاه همراه رسیده

است. یعنی در حوزه گسترش ارتباطات که شاخصی از جهانی شدن محسوب می‌شود، شاهد پیشرفت ایران بوده‌ایم (ر.ک. به www.amar.org.ir)

۵. ایران در میان کشورهای جهان از نظر تعداد کاربران اینترنت در پایان سال ۲۰۱۲ به چهل و دو میلیون نفر رسیده است که ۵۳/۳٪ از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد، و در عین حال رتبه نخست کشورهای منطقه خاورمیانه را در دست دارد (ر.ک. به www.internetworldstats.com)، از نظر ارتباط تلفنی بین‌المللی در جای ۳۱ و از نظر جهانگردی در مقام ۴۹ است (ر.ک. به www.atkeamey.com). نکته قابل توجه در میزان دسترسی کاربران اینترنت در سال ۲۰۰۰ فقط ۳/۸٪ از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌داد، و این نشان از گسترش روزافزون کاربران در کشور دارد.

۶. تعداد فرستنده‌های تلویزیونی در ایران از ۱۲۶۳ دستگاه در سال ۱۳۷۲ به ۸۳۶۵ دستگاه در سال ۱۳۸۲ رسیده است. تعداد فرستنده‌های رادیویی نیز در همین دوره از ۱۱۰ دستگاه به ۱۱۸۳ دستگاه رسیده است (گزارش صدا و سیما: همان). همچنین، بر اساس پژوهش‌های انجام شده در این سال، ۸۸ درصد از مردم ایران بیننده اخبار تلویزیون ایران و ۵۹ درصد خواننده روزنامه‌های ایرانی هستند. ۱۷ درصد مردم از رسانه‌های بیگانه و ۷ درصد از اینترنت در کسب اخبار و اطلاعات استفاده می‌کنند (پیامگیران اخبار، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۰۴). این آمار و اطلاعات نشان دهنده افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی در ایران است.

۷. افزایش ارتباطات جاده‌ای، توسعه راه‌ها، رشد مسافرت‌ها، گسترش حمل و نقل جاده‌ای و هوایی از دیگر شاخص‌های جهانی شدن است که در ایران نیز قابل ملاحظه است. طی دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ طول راه‌های ارتباطی ۳ برابر شده، حجم جابه‌جایی کالا از ۲۲۱۷ هزار تن به ۱۷۸۷۶ هزار تن رسیده و مجموع بار ورودی و خروجی از ۷۰ هزار تن به ۱۰۶ هزار تن رسیده است. همچنین میزان جابه‌جایی مسافر از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۱ معادل ۵۷ درصد رشد داشته است (روزنامه جام جم، ۱۳۸۲: ۱۲).

۸. از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۱ تعداد رادیوهای خارجی فارسی‌زبان از ۵ رادیو به بیش از ۲۰ رادیو رسیده است که با احتساب بیش از ۲۰ شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان به حدود ۴۰ شبکه بالغ می‌شود که مخاطبان گسترده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. اگرچه آمار دقیقی از میزان نفوذ این شبکه‌ها در بین مردم در دسترس نیست ولی همه شواهد و آمارهای موجود حکایت از گسترش روزافزون این شبکه‌ها دارد به نحوی که طبق آمار آژانس خبری بی بی سی، ۱۲ درصد از ایرانیان بالاتر از ۱۸ سال بیننده این شبکه‌ها هستند (سمیعی، ۱۳۸۲: ۹).

۹. در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور طی دوره مورد بررسی، نوعی گرایش به همگرایی با شاخصهای جهانی شدن دیده می‌شود. چنانکه در برنامه‌های پنج ساله توسعه نشانه‌هایی از رشد این شاخصها محسوس است. در حالیکه در برنامه اول توسعه بیشتر به مباحثی چون توسعه کمی، عدالت اجتماعی و فرهنگ عمومی توجه شده است، در برنامه دوم توجه بیشتری به مقوله ارتباطات، خصوصی‌سازی و واگذاری فعالیت‌های دولتی دیده می‌شود و در برنامه سوم توسعه مواردی چون گسترش همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، کاهش تصدی‌گری دولت، گسترش استفاده از فن‌آوری اطلاعات، ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های رسانه‌ای و کلاً استفاده از معیارهای رایج در اقتصاد بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است.^۱ اگرچه هنوز در عمل فاصله ایران با اقتصاد جهانی بسیار زیاد است ولی توجه به برنامه‌های فوق نشانگر رشد شاخص‌های جهانی شدن در این کشور است (آخوندی، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۲).

۱۰. توجه به خصوصی‌سازی، گسترش تعامل با اقتصاد جهانی، توسعه صادرات و واردات کالا و خدمات، تلاش برای جذب سرمایه‌های خارجی، همکاری با نهادهای اقتصادی بین‌المللی و تقاضا برای عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO) از ویژگی‌های بارز دولت ایران در سالهای اخیر بوده که به عنوان ملاکی در رشد شاخص‌های جهانی شدن قلمداد می‌شود (الیاسی، ۱۳۸۱: ۱۹۷-۱۸۴).

در مجموع، با وجود اینکه سرعت گسترش شاخص‌های جهانی شدن در ایران کم بوده است، توسعه ارتباطات به خوبی محسوس و تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی ایرانیان قابل مشاهده است. تأثیرپذیری از شاخص‌های جهانی شدن در سال‌های اولیه مقطع مورد بررسی بیشتر بر مطبوعات، کتاب و رادیوهای خارجی متمرکز بود، در حالی که گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و افزایش میزان دسترسی ایرانیان به آنها، توسعه اینترنت و رشد کاربران سرویس دهندگان ایرانی اینترنت، به تدریج باعث شد شهروندان بیش از پیش در معرض آرا و دیدگاه‌های مختلف قرار گیرند. تأثیرگذاری اخبار، موضع‌گیری‌های سیاسی برخی شبکه‌های ماهواره‌ای و ایجاد سایت‌های خبری فارسی با مخاطبان گسترده از جمله نشانه‌های تأثیر این رسانه‌ها بر فرهنگ سیاسی جامعه است.

دموکراسی در سه سطح سیاسی-امنیتی اجتماعی و اقتصادی نیز در ایران قابل بررسی است در سطح سیاسی و امنیتی دموکراسی هدفش آن است که هر فشار و ستمی که بر اراده فردی تحمیل می‌شود را از بین ببرد و نظامی برقرار کند که تا حد امکان این

۱. ر.ک به: برنامه توسعه عمرانی سوم در ایران (مستندات).

اراده شکوفا گردد و به عبارتی زوال خودکامگی است تا قانون (اراده اکثریت) جایگزین شود در طول دهه‌های اخیر به صورت روزافزون ایران شاهد افزایش قدرت عمومی در دست شهروندانش بوده است و اراده اکثریت بر اداره فردی غالب گشته است. در بعد اجتماعی نیز جامعه‌ای که در آن آزادی بیان مطبوعات و... وجود دارد جامعه‌ای است که بسترساز وجود جامعه مدنی می‌شود که آن هم بسترهای دموکراسی را هموارتر می‌کند. در حال حاضر ایران با توجه به آمار ارائه شده در بالا روند بسیار سریع و صعودی داشته است که خود بر امر تبادل اطلاعات افزایش آگاهی سیاسی شهروندان تبادل اندیشه‌ها و افزایش حضور مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی اثرگذار بوده است. در بعد اقتصادی دموکراسی بیشتر در کشورهایی وجود داشته که اقتصاد سرمایه‌داری بازار در آن غالب بوده است. البته لازم به ذکر است که این رابطه دو سویه بوده است یعنی هم سرمایه داری با از بین بردن فقر و بهبود شرایط زندگی به رشد مشارکت سیاسی شهروندان و اعتماد به نفس و جهت دادن و ابراز عقاید و ارزش‌های افراد منجر شده و هم دموکراسی به رشد بیشتر سرمایه داری کمک کرده است. در این حوزه ایران با توجه به این‌که در طول قرون گذشته اقتصادی وابستگی به دولت داشته و در طول دهه‌های گذشته وابستگی اقتصادی به نفت و اقتصاد کاملاً دولتی در حکومت پهلوی مانع از رشد دموکراسی در ایران بوده است با این حال بعد از انقلاب اسلامی و افزایش روند تجارت خارجی به صورت خصوصی و به‌خصوص در دهه اخیر افزایش روند سرمایه گذاری خارجی در ایران و تبادل نیروی کار و افزایش مهاجرت‌ها و حضور سرمایه گذاران گام‌های مثبتی در جهت بهبود وضعیت معیشتی مردم برداشته شده است. از سوی دیگر دولت ایران که به ناچار باید موانع حضور خود را در عرصه اقتصاد جهانی هموار می‌کرد می‌بایست برخی قوانین داخلی خود را همسان با برخی سازمان‌های بین‌المللی تغییر می‌داد تغییر قوانین گمرکی و افزایش استانداردها و... از جمله این تطابق بوده است. در مجموع می‌توان گفت:

۱. توسعه فناوری‌های ارتباطی، تسهیل ارتباطات میان افراد و جوامع، افزایش آمار کتب منتشره، رشد مطبوعات، توسعه شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی داخلی و خارجی، اینترنت، شبکه‌های رایانه‌ای و... به تغییر نگرش عمومی مردم به ویژه افراد تحصیل کرده و توجه آنها به مفاهیمی چون مردم سالاری، قانون‌خواهی مشارکت سیاسی و آزادی‌های سیاسی به عنوان شاخصی برای دموکراسی کمک کرده است. افزایش فناوری موجب تغییر نگرش و اندیشه در ایران شده است و به نوعی تبادل اطلاعات موجب برخورد

آراء و به نحوی ایجاد افکار جدید در کشور شده است در قبل از این مجال رشد نمی‌یافتند.

۲. اقتصاد بازار آزاد جهانی و تأثیر گسترده آن بر اقتصاد کشور، از حوزه‌های مهم تأثیر جهانی شدن بر دموکراسی در ایران محسوب می‌شود. سیاست‌های جدید اقتصادی و آغاز خصوصی‌سازی که در سال‌های بعد از جنگ در ایران اجرا شد، حلقه‌های ارتباطی اقتصاد و تجارت ایران را با اقتصاد جهانی بیش از پیش محکم کرد. در سال‌های اخیر سیر خصوصی‌سازی سرعت چشمگیری داشته است و در این راه گام‌های بلندی برداشته شده است، صرف‌نظر از بعد اقتصادی و نحوهٔ خارج کردن شرکت‌ها از مالکیت دولت، شکل‌گیری تفکر بازار آزاد و غیردولتی و روند خصوصی‌سازی که متأثر از اقتصاد جهانی می‌باشد حائز اهمیت است. ارتباط با نظام اقتصاد جهانی، کوچک‌کردن حجم فعالیت‌های دولتی، همکاری با نهادهای اقتصادی بین‌المللی و... از دیگر مصادیق می‌باشند. با وجود سهم اندک ایران در اقتصاد جهانی و وجود موانع مختلف بر سر راه عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (بشپریه، همان: ۱۷۲)، تأثیر واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به مردم و خصوصی‌سازی بر تحکیم شاخص‌های دموکراسی در ایران انکارناپذیر است.

۳. علاوه بر این، درهم تنیدگی اقتصاد جهانی سبب شده است تا دولت‌ها نتوانند فارغ از داوری و قضاوت نظام بین‌الملل رفتار کنند، چرا که استفاده از اعمال تحریم‌های مختلف اقتصادی، کاهش یا افزایش حجم روابط اقتصادی، دخالت در اعطای وام و... ابزاری برای اعمال فشار کشورهای ثروتمند به کشورهای جهان سوم شده است.

۴. حضور یا عضویت در سازمان‌ها، مجامع و نهادهای فراملی و بین‌المللی در سال‌های اخیر، تأثیر مهمی بر دموکراتیزاسیون کشورها داشته است. در ایران نیز عضویت در سازمان ملل و سازمان‌های مختلف وابسته به آن، در موارد مختلف تأثیرات مهمی بر دموکراسی‌سازی ساختار نظام سیاسی داشته است. اقدامات قوه قضاییه جمهوری اسلامی در اصلاح پاره‌های مقررات حقوقی و شیوه‌های مجازات، آزادی برخی زندانیان سیاسی یا تساهل در برخورد با بعضی گروه‌ها و افراد سیاسی مخالف در سال‌های اخیر، نمونه‌هایی از این موضوع است،^۱ که می‌توان آن را به عنوان رشدی در شاخص‌های دموکراسی در ایران قلمداد کرد.

۱. موارد مختلفی همچون گزارش‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از وضعیت حقوق بشر در ایران طی سال‌های گذشته، مباحث مربوط به متهم ساختن ایران به تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و حمایت از تروریسم در خاورمیانه یا اظهار نظرهای اخیر مقامات کشورهای مختلف اروپایی و امریکا درباره انتخابات مجلس در ایران و تقاضای آن‌ها برای برگزاری دموکراتیک و آزاد این انتخابات در

۴. طرح بحث گفتگوی تمدن‌ها به ابتکار جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان نمونه‌ای از تأثیر جهانی شدن بر فضای اندیشه سیاسی در ایران دانست که بخشی از شعارهای مطرح در چارچوب توسعه سیاسی و جنبش دموکراتیک در فضای پس از انتخابات خرداد ۱۳۷۶ محسوب می‌شود، متأثر از فضای به وجود آمده در پی بروز پدیده جهانی شدن است.

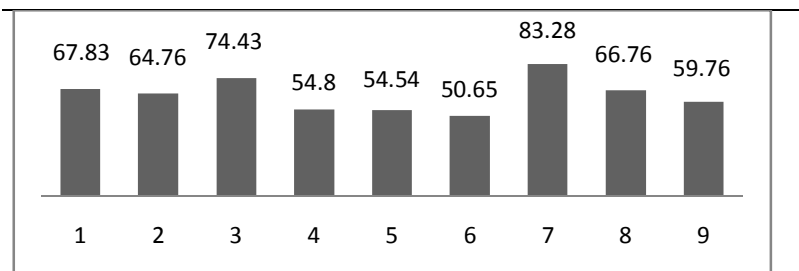
۵. ضرورت پیوستن به اقتصاد جهانی و عضویت در سازمان تجارت جهانی که امروزه به رویدادی اجتناب‌ناپذیر برای اقتصادهای ملی تبدیل شده است، تأثیر بسزایی در پذیرش سیاست‌های اقتصادی نظیر خصوصی سازی، تلاش برای جذب سرمایه‌های خارجی و اخذ وام‌های خارجی داشته که خود در بسترسازی برای کوچک کردن دولت و کمک به دموکراتیزاسیون نظام سیاسی مؤثر بوده است.^۱

۶. حضور قدرتمند رسانه‌های نوین همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت و امکان عرضه آراء و دیدگاه‌های مختلف رقیب از این طریق در آزادسازی فضای نقد سیاسی و طرح دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف فکری سیاسی در ایران مؤثر بوده است.

۷. برگزاری انتخابات شورای شهر و تشکیل این شوراها به عنوان یکی از نهادهای مدنی مؤثر در افزایش میزان مشارکت سیاسی مردم همچنین مشارکت وسیع در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری که نمونه‌ای از رشد شاخص‌های دموکراسی در دوره معاصر است را با توجه به همگرایی آن با رشد شاخص‌های جهانی شدن و تأثیری که رشد این شاخص‌ها در افزایش مشارکت سیاسی داشته است، می‌توان نمادی از تأثیر جهانی شدن بر رشد شاخص‌های دموکراسی دانست. روند مشارکت شهروندان در دوره‌های مختلف انتخابات ریاست جمهوری در نوسان بوده است و بسته به شرایط محیط داخلی و بین‌المللی تفاوت داشته است. آمار زیر نشان‌دهنده این مطلب می‌باشد.

مقاطع مختلف تاریخ معاصر ایران، تأثیر بسزایی در اقناع مسئولان سیاسی کشور به رعایت موازین حقوق بشر، اصلاح پاره‌ای قوانین یا تصمیمات و پذیرش برخی اصول دموکراتیک داشته است، لازم به ذکر است که مخالفت‌های عمده‌ای در برابر این اصلاحات در ایران وجود دارد.

۱. چگونگی تأثیر اقتصاد و تجارت جهانی بر دموکراتیزاسیون در نظام‌های سیاسی بسته به نوع عملکرد دولت‌ها و میزان مشارکت مردم در اقتصاد و نحوه آرایش نیروهای اجتماعی و سیاسی متفاوت است.



نسبت مشارکت کنندگان به واجدان شرایط در دوره‌های مختلف انتخابات ریاست جمهوری (برگرفته از سایت آمار ایران amar.sci.org.ir)

۸. از سوی دیگر، توجه به نتایج انتخابات هفتمین و هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، ششمین دوره مجلس شورای اسلامی و اولین دوره شورای شهر و درصد آرای مأخوذه به نسبت واجدان شرایط و شعارهای احزاب و گروه‌هایی که توانسته‌اند بیشترین درصد آراء را به خود اختصاص دهند، نشان می‌دهد بیشترین موفقیت در انتخابات نصیب احزابی شده است که محور شعارهای آن‌ها اصلاحات سیاسی و دموکراتیک بوده است و مردم همراهی بیشتری با این گروه‌ها نشان داده‌اند (محسنیان راد، ۱۳۷۹).

۹. طرح شعارها و آرمان‌های دموکراتیک در گفتمان سیاسی موجود در ایران طی سال‌های اخیر و فاصله گرفتن از گفتمان ایدئولوژیک قبلی را هم باید شاخصی برای رشد دموکراسی در ایران قلمداد کرد. توجه به عناوین کتب منتشره، مطبوعات، سخنرانی‌ها، سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی که با حجمی روزافزون به طرح مباحث دموکراسی می‌پردازند، شاهدی بر این مدعا است.

۱۰. رشد تعداد احزاب، تشکل‌های صنفی و گروه‌های سیاسی، NGOها و... طی سال‌های ۱۳۶۷ تا به زمان فعلی یکی دیگر از شاخص‌های دموکراسی است که تا حد زیادی از جهانی شدن تأثیر پذیرفته است (ونهانن، ۱۹۹۷: ۱۱۷).

۱۱. توجه بیشتر به مقوله حقوق بشر و اصلاح پاره‌ای اشکالات وارده از سوی سازمان‌های بین‌المللی که در مقایسه گزارش‌های مختلف بازرسان حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره ایران مشهود است (شریفیان، ۱۳۸۰: ۳۳۰-۲۱۳) شاخص دیگری از دموکراسی است که رشد یافته است.

۱۲. در مورد ایران باید به یک نکته اساسی هم توجه کرد. در قرن اخیر و به‌ویژه اواخر دولت پهلوی و بعد از ظهور دولت جمهوری اسلامی جهانی شدن به دو صورت نرم افزاری و سخت افزاری بر ایران اثر گذاشته است. به عبارت دیگر تأثیر بر فرهنگ سیاسی و بر

ساختار سیاسی دو حوزه جدایی ناپذیر از یکدیگر می‌باشند که تحت تأثیر جهانی شدن سیاست و فرهنگ سیاسی و تغییر الگوها و ارزش‌های فرهنگ سیاسی و آمیخته شدن با افکار و اندیشه‌های شهروندان موجب فروزاشی نظام پادشاهی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی بر پایه حقوق شهروندی و قانون شده است.

نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به آن‌چه گفته شد پدیده جهانی شدن در شکل نوین آن دارای ابعاد مختلف فنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که هر یک از این ابعاد تأثیرات متنوعی بر حیات بشر امروز بر جای گذاشته است. این پدیده در عرصه اندیشه و عمل سیاسی بر تقویت امواج دموکراسی، گسترش فرهنگ دموکراتیک و تحکیم ساختارهای دموکراتیک مؤثر بوده است. این تأثیر به واسطه توسعه ارتباطات، گسترش رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت و ایجاد فضای سبیرنتیک در رشد آگاهی عمومی افراد جامعه، افزایش تقاضای آن‌ها برای مشارکت سیاسی و ایجاد فضای آزاد گفتگو و رقابت سیاسی میسر شده است. علاوه بر این توسعه بازارها و تبادلات آزاد اقتصادی نظیر افزایش تجارت جهانی و مبادله کالا، خدمات و سرمایه سبب رشد اقتصادی کشورها، تقویت جامعه مدنی و در نتیجه مؤثر بر دموکراتیک کردن ساختار نظام‌های سیاسی بوده است. ایجاد فرهنگ سیاسی نوین، تلاش برای یافتن راهکارهای مشترک جهت حل مسائل مشترک بشری و تشکیل سازمان‌های غیر دولتی فعال در مشارکت امور از دیگر راهکارهای تأثیر جهانی شدن بر روند دموکراسی است. بنابراین جهانی شدن در دنیای امروز به تقویت دموکراسی و جنبش‌های دموکراتیک کمک کرده است.

در ایران نیز طی سال‌های نضج جهانی شدن، شاخص‌های مختلف آن همچون توسعه ارتباطات، گسترش رسانه‌های جمعی، حضور فعالانه‌تر در بازار اقتصاد جهانی، عضویت در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و تقویت روابط خارجی با دیگر کشورها گسترش یافته و با توجه به آنچه گفته شد شاخص‌های این پدیده به عنوان متغیر نخست پژوهش حاضر در سال‌های اخیر رشد داشته است. از سوی دیگر با توجه به شواهد موجود، رشد شاخص‌های جهانی شدن در ایران، به سبب تأثیر آن بر گسترش فرهنگ دموکراتیک و تحکیم جنبش دموکراسی‌خواهی از یک سو و اعمال پاره‌ای اصلاحات دموکراتیک در ساختار نظام سیاسی از دیگر سو، در تقویت دموکراسی سازی و رشد شاخص‌های دموکراسی مؤثر بوده است که هر دو کاملاً مرتبط و وابسته به یکدیگرند. اگرچه نمی‌توان جهانی شدن را تنها عامل و علت رشد دموکراسی و گسترش جنبش‌های دموکراتیک در ایران دانست و

احتمالاً عوامل دیگری نیز در این رشد مؤثر بوده است، شواهد مورد اشاره نشان می‌دهد رشد شاخص های جهانی شدن هم در افزایش دموکراسی و تقویت جنبش‌های دموکراتیک در کنار دیگر عوامل مؤثر بوده است. افزایش مشارکت سیاسی مردم در انتخابات، افزایش آگاهی‌های سیاسی و تغییر فرهنگ سیاسی مردم، تغییر و دگرگونی ارزش های سیاسی مردم، توسعه خصوصی و تقویت بازار آزاد اقتصادی، رشد تعداد مطبوعات، سایت‌های خبری و سایر رسانه‌های جمعی، افزایش تعداد احزاب، گروه‌های سیاسی و سازمان‌های غیردولتی مختلف، اصلاح پاره‌ای قوانین و مقررات حقوقی و مدنی،^۱ افزایش همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حتی اجتماعی و مصادیقی از اصلاحات تدریجی در ساختار نظام سیاسی و جنبش دموکراتیک در ایران است. به عبارت دیگر جهانی شدن در وهله اول بر فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه ایران و در مرحله بعد بر ساختارها و نهادهای سیاسی موجود در جامعه مؤثر بوده است. به این ترتیب ابتدا بر جنبه نرم افزاری توسعه دموکراتیک تأثیر گذاشته است، سپس بر جنبه سخت‌افزاری آن. با وجود این که در ایران روند دموکراسی سیر تدریجی و رو به تکاملی داشته رشد فرهنگ دموکراتیک و تقویت نسبی نهادها و ساختارهای دموکراسی با وجود توقف‌های متعدد موانع و چالش‌های متنوعی که در طول تاریخ معاصر ایران در مسیر آن قرار گرفته است قابل درک است. اگرچه جنبش دموکراسی‌خواهی و روند دموکراتیزاسیون در ایران هنوز نوپاست و راه نرفته بسیار و چالش‌ها و موانع فراوانی پیش رو دارد، تأثیر پدیده جهانی شدن در تقویت این روند محسوس و انکارناپذیر است. چرا که با وجود شاخص‌ها و آمار ارائه شده باید بر این امر صحنه گذاشت که با این که ایران همانند کشورهایی چون کره ژاپن مالزی و یا برخی کشورهای اروپایی چون رومانی اسپانیا که در طول ۵۰ سال اخیر روند دموکراسی سازی سریع و صعودی داشته اند از قافله عقب مانده و به نحوی اثرپذیری جهانی شدن در ایران کمتر از این کشورها بوده است اما نباید رشد ایران در مقایسه با اکثریت کشورهای خاورمیانه و برخی کشورهای آسیای شرقی و آسیای میانه را از نظر دور داشت. مسائل ملی و بین‌المللی ایران در سال‌های اخیر و فراز و فرودهای آن همگی نشان‌دهنده تأثیر پذیری ایران از جهانی شدن و تنش‌های ایجاد شده در سطح بین‌المللی که متأثر از جهانی شدن می‌باشد داشته است. کما این که لغزش‌های ایران و برخی تصمیمات داخلی و بین‌المللی در انزوا و یا به عبارتی رکود و عدم پیشرفت در سازمان‌های غیر دولتی در ایران کم تأثیر نبوده است. با این حال، پاسخ

۱. همچون قانون دیه مسلمان و غیرمسلمان یا حذف مجازات سنگسار و زندان انفرادی.

به این سوال که چرا روند تغییرات دموکراتیک در جامعه ما با کندی و موانع روبه‌روست، همچنان باقی است.

منابع

- آخوندی، عباس (۱۳۸۰)، جهانی شدن و برنامه سوم توسعه، *مجله بورس*، شماره ۲۵.
- الیاسی، حمید (۱۳۸۱)، ایران و عضویت در سازمان جهانی بازرگانی، ترجمه جعفر خیرخواهان، *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۷۷-۱۷۸.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹)، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری.
- بشیری، حسین (۱۳۸۱)، *دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی*، تهران: انتشارت نگاه معاصر.
- پیامگیران اخبار در ۳۰ شهر کشور (۱۳۸۲)، *مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران*.
- تافلر، الوین و تافلر، هایدی (۱۳۷۴)، *به سوی تمدن جدید*، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: انتشارات سیمرغ.
- جهانگلو، رامین (۱۳۸۲)، *جهانی بودن*، پانزده گفتگو با اندیشمندان جهان امروز، تهران: نشر مرکز.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰)، *جهانی شدن*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱)، «نظریه روابط بین‌الملل در دنیای جهانی شدن»، در جهانی شدن، برداشت‌ها و پیامدها، گردآوری محمدکاظم سجادیور، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۹)، «نظریه روابط بین‌الملل در دنیای جهانی شد»، *فصلنامه سیاست خارجی*، فصل تابستان.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، *پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات آگاه.
- رزاقی، سهراب (۱۳۷۸)، «چشم‌انداز حزب و توسعه سیاسی در ایران اسلامی» در حزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم: *حزب در ایران*، تهران: انتشارات همشهری.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، *توسعه و تضاد*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نقل از روزنامه همشهری (۱۳۸۱/۷/۲۱)، *Cambridge Book Review*.
- زایتس، جان (۱۳۸۰)، *مسائل جهانی*، ترجمه عشرت فرودی، تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.
- سالنامه مرکز آمار ایران، (۱۳۷۵)، *مرکز آمار ایران*.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۰)، «جهانی شدن، برداشت‌ها و مصداق‌ها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۱۰.

سمعی، بیل (۱۳۸۲)، *دنیای رسانه‌های ایرانی*، ترجمه مرضیه سلیمانی، *روزنامه شرق*، شماره ۱۴۹.

شریفیان، جمشید (۱۳۸۰)، *راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد*، تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۵)، *استبداد، دموکراسی و نهضت ملی*، تهران: نشر مرکز. کاکو، پیچیو (۱۳۸۱)، *چشم‌اندازها: انقلاب‌های علم در قرن بیست و یکم*، ترجمه یوسف اردبیلی، تهران: انتشارات ققنوس.

کومسا، آس فا (۱۳۷۸)، «جهانی شدن و منطقه‌گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه»،

ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۴۸-۱۴۷.

گزارش رشد و توسعه کمی حوزه بهره‌برداری فنی سازمان صدا و سیما (۱۳۸۲).

گزارش ملی توسعه انسانی (۱۳۷۸)، سازمان برنامه و بودجه.

گنو، ژان ماری (۱۳۸۰)، *آینده آزادی: چالش‌های جهانی شدن دموکراسی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

لیتل، دانیل (۱۳۸۱)، *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: نشر صراط. مجموعه آماری (۱۳۷۶)، «سری زمانی آمارهای اقتصادی - اجتماعی تا سال ۱۳۷۵»، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۹)، بررسی آماری نتایج انتخابات مجلس ششم در تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مدیسون، جی. بی (۱۳۸۰)، «جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها»، ترجمه محمود سلیمی، *فصلنامه راهبرد*، ش ۲۲.

معمدنزاد، محمد کاظم (۱۳۸۰)، «جهانی شدن یا جهانی سازی»، *سنجش و پژوهش*، ش ۲۵. نش، کیت (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر. نگاهی به کارآمدی بخش‌های مهم اقتصاد کشور در ربع قرن انقلاب اسلامی (۱۳۸۲)، مصاحبه با وزیر راه و ترابری، *روزنامه جام جم*، شماره ۱۰۸۲.

واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، *جهانی شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

والرشتاین، امانوئل (۱۳۷۷)، *سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپولیتیک و ژئوکالچر)*، تهران: نشر نی.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۲)، *جهانی شدن و آینده دموکراسی منظومه پساملی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات مرکز.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

هلد، دیوید و مک گرو، آنتونی (۱۳۸۲)، *جهانی شدن و مخالفان آن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- هلد، دیوید (۱۳۶۹)، *مدل‌های دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات روشنگران.
- A. Medison. (1995), *Monitoring the World Econom: 1820-1992*, OECD.
- A. Wilhelm.A. (2001), *Democracy in the Digital Age*, London: Routledge.
- A.McGrew.(1997),"Globalization and Territorial Democracy: An Introduction".
- Albrow .M.(1996), *The Global Age*, Cambridge: PolityPress, 1996.
- Amir. A. (1997), *Placing Globalization*, Theory, Culture & Sociology.
- Ansari.A. (2000), *Iran, Islam and Democracy: The Politics of Managing Change*, London: Royal Institution of International affairs.
- Blumer.H.(1969)."Social Movements" in A. M. Les, *Principles of Sociology*, London, Barnes & Noble.
- Cunningham.F.(2002), *Theories of Democracy: A Critical Introduction*, London: Rouledge.
- D. Held and A. McGrew (eds) (2000), *The Global Transformation Reader*, Cambridge: PolityPress.
- David.S.(1972), "International Encyclopedia of Social Science", Vol. 2, USA: McMillan.
- F. Fukuyama (1992),*The End History and The Last Man*, London: Hamish Hamilton.
- F.Zakaria (1997),"The Rise of Illiberal Democracy", *Foreign Affairs*, Vol. 76, No.
- Giddens. A. (1991), *Modernity and Self Identity*, Cambridge: PolityPress.
- Gilpin.R. (1987), *The Political Economy of International Relations*, Princeton: Princeton University Press.
- Gourevitch.P. (1986), *Politics in Hard Times*, New York: Cornell University Press.
- Grugel.J(2002), *Democratization: A Critical Introduction*, London: Palgrave.
- Harvey.D. (1989), *The Condition of Postmodernity*, Oxford: Blackwell.
- Hayek. F.A. (1976), *The Road to Serfdom*, London: Routledge,
- Held.D. (1995), *Democracy and Global Order, From the Modern State to Cosmopolitan Governance*, Cambridge: PolityPress.
- Held.D.(1999), et al., *Global Tranformation: Politics, Economics and Culture*, Cambridge: PolityPress, 1999, Chapters 1, 2, 9.
- Hirst. P & Thompson.G. (1996), *Globalization in Question: The International Economy and Possibility of Governmance*, Cambridge: PolityPress.
- Holton. R. (1998), *Globalization and the Nation State*, London: Mcmilan.

- Hoogvelt.A. (2001), *Globalization and the Postcolonial World*, Basingstoke: palgrave.
- Kleingberg.A. (1982), *Cultural pluralism in a Changing World*, The UNESCO Courier.
- Lipset.S.M. (1996), "Some social requisites of democracy": Economic development and Scott Burchil, *Liberal Internationalism, Theories of International Relations*, New York: StMartin.
- McGrew (ed), *The Transformation of Democracy: Globalization and Territorial Deomocracy*, Cambridge: PolityPress
- O'Brein. R.J.(2000), *Et at, Contesting Global Governance: Multilateral Economic Institutions and Global Social Movements*, Cacbridge, Cambridge University Press.
- Petri. R. (1999), "Globalization, Connection and Dialogues, *European Journal of Cultural Studies*, Vol. 2, p. 251
- Richard. K. Moore.R.K. (1997), "Democracy and Cyberspace" Presented at International Conference Discourse and Decision-making in the Information Age, University of Teesside, (WWW. lol. le/ - rkmoore/cyberjourna).
- Robert Nozik.R. (1970), *Anarchy, State and Utopia*, Oxford: Black Well.
- Robertson.R. (1992), *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London: Sage.
- Rupert.M. (2000), *Ideologies of Globalization: Contending Visions of a NewWorld Order*, London: Routledge, 2000
- Scholte.J.A. (2000), *Globalization, A Critical Introduction*, New York: Palgrave.
- Taylor.P.J. (2000), "Ization of the World: Americanization, Modernization and Globalization", in C. Hay & D. Marsh (eds), *Demystifying of Globalization*, London: Mcmilan.
- The 2003 A. T. Kearney / Foreign Policy Magazine Globalization Index (www.atkeamey.com)
- Vanhanen.T.(1997), *Propects of Democracy* London, Routledge.
- Year Book of International Organizations (1992), Munich: Sour.
- گزارش سالنامه سازمان‌های بین‌المللی، مراجعه شده در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۰
<http://www.uia.be/ybvol1:2012>
- آمار کاربران اینترنت در ایران ، مراجعه شده در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۱
<http://www.internetworldstats.com/me/ir.htm>
- تعداد رای دهندگان هر دوره در انتخابات ریاست جمهوری، مراجعه شده در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۲
<http://amar.sci.org.ir/Detail.aspx?Ln=F&no=263544&S=TP>
- نمودار میزان تولید ناخالص داخلی ایران، مراجعه شده در تاریخ ۹۱/۱۰/۱۵
<http://www.indexmundi.com/g/g.aspx?c=xx&v=66>
- میزان تحصیلات جمعیت ایران به تفکیک جنس،مراجعه شده در تاریخ،۹۱/۰۹/۲۵

http://www.sci.org.ir/SitePages/report_90/education_report.aspx

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دستاوردهای دولت نهم و دهم، مراجعه شده در

تاریخ، ۹۱/۱۰/۳۰

<http://www.farhang.gov.ir/filepooldetail3-329-fa.html?redirectpage=%2famalkard-fa.html>

تعداد جمعیت ایران به تفکیک سن و جنس، مراجعه شده در تاریخ ۹۱/۰۹/۲۵

http://www.sci.org.ir/SitePages/report_90/population_report.aspx